



بانکداری اسلامی، یک حرف ناتمام

پدیدآورده (ها) : معتمدی، شیوا

اقتصاد :: بانک و اقتصاد :: شهریور 1383 - شماره 49

از 24 تا 44

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/134071>

دانلود شده توسط : رحمان قاسمی

تاریخ دانلود : 28/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

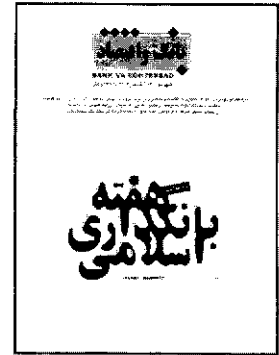
تنظیم سیاست مناسب پولی و ارزی و اعتباری دولت بر نرخ تورم اثر گذاشت.

صفر حسینی تحقق این اهداف را به چگونگی حرکت اقتصاد در طول برنامه چهارم توسعه وابسته دانست و افزود: در طول برنامه سوم، حدود چهار درصد سود بانکی کاهش یافت. امسال نیز در راستای تنظیم سیاست پولی برای تولید و سرمایه‌گذاری، یک درصد نرخ سود بانکی کاهش پیدا کرده و برنامه‌های دولت در جهت کاهش نرخ تورم و نرخ سود بانکی است تا رشد هشت درصدی اقتصادی محقق شود. ■

وی تصریح کرد: اصلاح ساختارهای مالی و بودجه‌ای کشور، پایه‌های اصلاح تورم است و هرچه این پایه‌ها مناسب‌تر باشند، تاثیر قابل توجه‌تری در مهار تورم خواهند داشت.

دکتر حسینی برنامه واگذاری بانک‌ها را نیز به منظور اصلاح ساختار آنها دانست و گفت: دولت منابع فروش بانک‌ها را در جهت افزایش سرمایه برای پوشش کفایت سرمایه آنها صرف می‌کند.

وی افزود: لوازم و ابزار ضروری برای تک‌رقمی کردن نرخ تورم در طول برنامه چهارم توسعه باید تامین شوند تا بتوان از طریق تنظیم سیاست‌های مالی و بودجه‌ای مناسب دولت و



بانکداری اسلامی، یک حرف ناتمام

تهیه کننده، شیوا معتمدی

جراید و پیگیری وقایع را به کناری بگذاریم و به دنبال یک شغل "آبرومند" بگردیم که در آن اعتبار و تشخیص دیگران به بازی گرفته نشود.

به‌هرحال، گزارش حاضر در رابطه با هفته بانکداری اسلامی تهیه شده است و بر آن بودیم تا با لحاظ کردن گفتگوی صاحب‌نظران و مسوولان، به این واقعیت برسیم که آیا معیارها و شیوه‌هایی که امروز در بانک‌های ما به کار گرفته می‌شوند، همان ضوابط و موازین و قوانین بانکداری اسلامی هستند یا با آنها مغایرت دارند؟ و اگر مغایرت دارند، موانع و معضلات عدم اجرای آن قوانین در کجاست؟ و آیا کلاً چشم‌انداز صنعت بانکداری ملی رو به بهبود گذاشته است یا خیر؟

نمی‌دانیم که آیا به درستی پاسخی گرفته‌ایم یا خیر؟ از آنجا که رسالت یک گزارش، همانا انعکاس عینیات می‌باشد، لذا قضاوت در مورد نتیجه این گزارش را به عهده خوانندگان گذاشتیم. البته روش این گزارش با بقیه گزارش‌ها یک تفاوت هم دارد و آن هم اینست که در گزارش‌های قبلی ما ابتدا به سراغ صاحب‌نظران می‌رفتیم و نظریات آنان را جویا می‌شدیم و بعد سراغ مردم می‌رفتیم، اما این بار ابتدا نظریات مردم را منعکس کرده‌ایم و سپس به مصاحبه با افراد دیگر پرداخته‌ایم، زیرا به نظر می‌آمد که مردم بیش از بعضی از مسوولان شهامت گفتن حقیقت را دارند.

اینروزها مشکلی که احتمالاً همه روزنامه‌نگاران با آن مواجهند، موضوع تهیه خبر از بی‌خبریت است. چون به هرکجا که مراجعه می‌نماییم و با هر صاحب‌منصبی که صحبت می‌کنیم، همه از روند کارها نهایت رضایت و احساس مطلوبیت را دارند. همه چیز به خوبی پیش می‌رود و عدم امکانات و کندی در حرکت بعضی از امور هم از نظر آنان معضل کوچکی است که "انشاء... به‌زودی حل خواهد شد و اظهار نارضایتی مردم همیشه در صحنه هم احتمالاً برمی‌گردد به کم‌لطفیشان که البته امید است به‌زودی این معضل هم حل شود."

ما نیز برای تهیه این گزارش به مناسبت هفته بانکداری اسلامی، دقیقاً با همین مشکل مواجه بودیم. صاحب‌نظران و به‌ویژه مسوولان و دست‌اندرکاران محترم این مقوله، متأسفانه یا اصلاً از دادن وقت مصاحبه به ما طفره رفتند و یا سوالات ما را به طور کلی پاسخ دادند که ما هم در بعضی از موارد حتماً ناگزیر شدیم که از آن مصاحبه صرف‌نظر کنیم. تا اینکه نهایتاً یکی از مدیران، آب پاکی را روی دست ما ریخت و گفت: به عنوان مدیریک بخش عظیم، باید خدمتتان عرض کنم که شرایط به گونه‌ایست که بنده حتماً اگر نظرم با سیاست‌های کلی منافاتی داشته باشد، هرگز در مقابل کارمندانم، چنین مخالفتی را ابراز نخواهم کرد.

بله، و اینگونه بود که ما به این نتیجه رسیدیم که با اینهمه شهامت، ظرف چند وقت آینده باید شغل "مشکوک" مخبری

یک کارمند بانک
خواهش من از مشتریان
بانک‌ها این است که آنها
هم در روبروشدن با ما
کمی انصاف به خرج دهند.

مردم: ما در تونل زمان گیر کرده‌ایم

این گزارش تنها انعکاس چیزهایی است که در کوچه و بازار دیده‌ایم و ما آنها را عیناً و بدون هیچگونه دخل و تصرفی منعکس نموده‌ایم. چنانچه لحن آن در بعضی موارد تند است، امیدواریم ما را ببخشید.

آقای نادر - م، ۴۶ ساله و تولیدکننده پوشاک است. وی در پاسخ به این سوال که نسبت به سال‌های گذشته شیوه بانکداری را چگونه می‌بینید؟ می‌گوید: همین امروز که تصادفاً شما چنین سوالی را می‌نمایید، برای نقدکردن یکی از چک‌هایی که مربوط به همان داستان شبکه شتاب در بانکداری است، در یک مسیر ناگزیر شدم که به چند شعبه سرک بکشم، چون هر کدام بهانه‌ای داشتند. مسوول یک باجه گفت که کامپیوتر سراسری قفل شده و در حال حاضر هیچ اطلاعاتی را نمی‌توانیم مبادله کنیم، و همین موضوع یک ساعت و نیمه در این گرما و ترافیک مرا معطل خودکرد، در صورتی که در همان لحظه خود من چکی در بانک خودم داشتم و نگران بودم که "کلر" بیاید و این چک به علت عدم موجودی، برگشت بخورد. شما را به خدا، این موضوع را به گوش مسوولان برسانید که با اینهمه مساله‌ای که امروز در بازار کار با آن درگیریم و هزارویک جور استرسی که از قِبل آنها به مردم وارد می‌شود، لطفاً یک فکراساسی به حال بانک‌های این مرزوبوم بنمایند.

آقای صیرفی، ۳۷ ساله و پزشک، در پاسخ به همان سوال می‌گوید: اگر بخوایم وضعیت سیستم بانکی را نسبت به قبل بسنجیم، انصافاً نمی‌توانم بگویم که تغییری در روش بانک‌ها داده شده است. من در شعبه یکی از بانک‌های تجاری واقع در کرج حساب دارم که عضو گروه شتاب می‌باشد. البته می‌توانم بگویم که نسبت به گذشته روند کار بانک‌ها سرعت بیشتری گرفته است، اما حقیقت آن است که همه این‌ها برای سیستم بانکداری یک کشور ۷۰ میلیون نفری که هزاران شعبه در سراسر کشور دارد، کافی نیست و ما همچنان شاهدیم که مردم از معطلی زیاد و به خصوص از رفتار کارمندان بانک، به ویژه بانک‌هایی که نسبت به بقیه هم قدمت بیشتری دارند و هم مسوولیت‌های ویژه‌تری، می‌نالند. وی اضافه می‌کند که یک جورهایی به نظر می‌رسد که ما در تونل زمان گیر کرده‌ایم، نه روند روبه‌جلوی مطلوبی داریم و نه می‌توانیم با سیستم سابق کار کنیم. خیلی اوقات پیش می‌آید که با همین حساب‌های شتابی یک روز کامل معطل سیستم کامپیوتر و مخابرات می‌مانیم تا باز شود و ایراتور بتواند پرداخت یا دریافتی را صورت دهد.

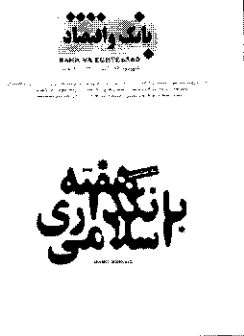
خانم مسلم‌زاده، کارمند بازنشسته آموزش و پرورش است و می‌گوید: من یک زن مسنم، و به خاطر آلودگی هوا و گرما سعی می‌کنم که این روزها کمتر از خانه بیرون بیایم، اما در ابتدای هر برج، ناگزیرم که برای گرفتن حقوق خود به بانک بروم. برای این

کار هم ابتدا با شعبه بانک خود تماس می‌گیرم و اطلاع حاصل می‌کنم که حقوقمان را به حساب ریخته‌اند یا خیر. متأسفانه در خیلی از موارد کارمند بانک که پاسخ مرا می‌دهد، اطلاع درستی ندارد و یا به من نداده است. بنابراین، بارها پیش آمده که تا آنجا رفته‌ام، اما پولی به حسابمان ریخته نشده بود.

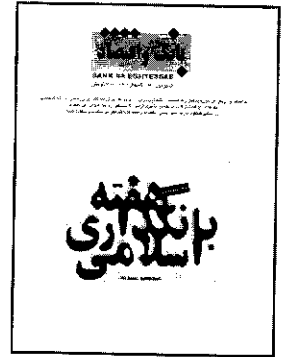
وی پس از کمی مکث و تازه کردن نفس اضافه می‌کند: البته امیدوارم این چیزی که می‌خواهم بگویم، به همه کارمندان بانک تعمیم داده نشود، اما حقیقت این است که بارها پیش آمده که خواسته‌ام از بانکی پولی بگیرم که مسوول باجه پول مرا به من تحویل داده است، اما وقتی که به خانه مراجعت کرده‌ام، دیده‌ام که مبلغی از آن کسر است، و بلافاصله که موضوع را اطلاع داده‌ام، شخص خاطی بی‌سروصدا پول را به من داده است. این مورد را که با خیلی از همسنان وسالان خودم مطرح می‌نمایم، می‌بینم که برای آنان نیز این اتفاق افتاده است، و این خیلی بد است که خدای ناکرده جوانان به این علت که ما پیر هستیم و حواسمان خوب کار نمی‌کند، شیطان در جلدشان برود و دنیا و آخرت خود را بفروشند.

از وی می‌پرسم: امروزه در بیشتر شعب، دستگاه‌های پول‌شمار برای رفاه حال مشتریان بانک‌ها تعبیه شده است. آیا در شعبه بانک شما چنین چیزی موجود نیست؟ او می‌خندد و می‌گوید: چرا، شعبه ما هم دارد، منتها من بلد نیستم که از آن استفاده کنم.

در ادامه تهیه گزارش به سراغ یکی از کارمندان باجه‌ای یکی از شعب بانک‌ها می‌رویم، که اتفاقاً جوان پرازنده و خوش‌برخور دیست. وقتی که از وی در رابطه با تعامل وی با مشتریان بانک می‌پرسیم، می‌خندد و می‌گوید: متأسفانه مشتری هر بانک تنها خودش را می‌بیند. کسی هم به این موضوع فکر نمی‌کند که ما که این پشت نشسته‌ایم، به هر حال، از جنس گوشت و پوست و استخوانیم. به هر حال اعصاب داریم و با اینهمه مشتری‌های جورواجور سروکله‌زدن، به اعصاب ما هم فشار می‌آورد. گاه می‌شود که درست در زمانی که من باید حواس خود را جمع کنم تا مثلاً کار مالی یک مشتری را بدون اشتباه انجام دهم، یکی دیگر از مشتریان می‌رسد و با تحکم اصرار دارد که پاسخ وی را در لحظه بدهم. انگار که بانک مرا فقط به خاطر شخص وی استخدام کرده است. و بعد هم وقتی از وی می‌خواهیم که لحظه‌ای تأمل کند، شروع می‌کند به پیاده کردن نفرت یک‌روزه خود بر سر ما! حالا شما فکر کنید که برای باجه‌نشینی که روزانه با کلی ارباب‌رجوع و ارقام طرف است، این موضوع می‌تواند برای همه روز چه فشاری باشد! وی اضافه می‌کند: البته من می‌دانم که گاهی برخورد همکارانم خیلی خوب نیست، اما خواهش من از مشتریان بانک‌ها این است که آنها هم در روبروشدن با ما کمی انصاف به خرج دهند.



آیا معیارها و شیوه‌هایی که امروز در بانک‌های ما به کار گرفته می‌شوند، همان ضوابط و موازین و قوانین بانکداری اسلامی است یا با آنها مغایرت دارد؟



اقتصاد با دستور بینی نمی‌رود

آن سازمان به هم ارتباط پیدا می‌کردند، مشکلات بروز می‌کرد، و بیشتر هم حوزه مربوط به بودجه سالانه کشور بود که این دو در آن دخیل بودند و از کسانی بودند که می‌بایست بیشترین تعامل و حق‌گرای را در اداره آن بخش از اقتصاد کشور به عهده می‌گرفتند. اما رویه‌ای که هرکدام از آنها داشتند، باعث شده بود تا آن تعامل تبدیل به یک وضعیت ایده‌آل نشود، و آقای رییس‌جمهور هم تا جایی که من بارها شاهد بودم، کوشش زیادی کردند تا این دو نفر را با یکدیگر به نقطه توافق برسانند، که متأسفانه نشد و بنابراین، آقای خاتمی ناگزیر هر دو نفر آنان را تغییر دادند و دو نفر جایگزین برای آنها گذاشتند.

کمتر کسی است که دکتر سعید شیرکوند، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی را نشناسد. وی همچون یک عنصر بین‌نسلی، در زمان تصدی دو وزیر همچنان در پست خود فعال باقی مانده است و به همین علت، در جریان تنظیم بسیاری از طرح‌ها و لوایحی است که برای اعتلای سطح سیستم بانکی تهیه شده‌اند و بر اینگونه موضوعات اشراف کامل دارد. لذا از ایشان خواهش کردیم که به مناسبت هفته بانکداری و شماره ویژه ما در یک گفتگوی اختصاصی شرکت کنند.

۹ / آقای دکتر، به عنوان شخصیتی که در زمان دو وزیر اقتصاد و دارایی (مهندس مظاهری و دکتر حسینی) در این وزارتخانه فعال بوده‌اید، خواهشمند است ابتدا مقایسه‌ای بفرمایید بین مدیریت در زمان این دو وزیر و بعد هم شرح دهید که اثر جابجایی این دو بزرگوار بر کارکرد نهادهای مالی زیرمجموعه این وزارتخانه (بانک‌ها، بیمه‌ها، بورس و...) چه بوده است؟

□ زمانی که دکتر حسینی به وزارتخانه آمدند، این وزارتخانه در حال اجرای سیاست‌های جدیدی نبود، زیرا سیاست‌های اقتصادی کشور در چارچوب برنامه سوم و در چارچوب سیاست‌های کلان کشور دنبال می‌شود، و وزیر البته در این سیاست‌ها موثر است، اما بیشتر مجری آنها می‌باشد. لذا نمی‌توان در یک مجموعه‌ای که افراد آن جابجا می‌شوند، خیلی انتظار تغییر اساسی را داشت. البته اگر به عنوان مثال، دولت آقای خاتمی به پایان دوره خود برسد و دولت دیگری بیاید، این امکان وجود دارد که در آن مجموعه، سیاست‌ها تغییر نماید، ولی در دولت آقای خاتمی که سیاست‌های کلی‌اش در قالب طرح ساماندهی و برنامه سوم تدوین شده و وزرا هم مجری همان سیاست‌های ازپیش‌تعیین‌شده هستند، تغییر وزیر خیلی نمی‌تواند روی آنها تاثیر بگذارد، بلکه فقط ممکن است که در چارچوب‌های عملیاتی و یا در روش‌های اجرایی تغییراتی ایجاد شود. پس به‌طور کلی باید بگوییم که تفاوت معنی‌داری در سیاست‌های کلی وزارتخانه بوجود نیامده است که قابل مقایسه و ارزیابی باشد.

۹ / پس اصلاً چرا وزیر عوض شد؟

□ ببینید، همانطور که قبلاً در جای دیگری نیز گفته‌ام، بهترین روایتی را که می‌توان در مورد تغییر آقای مهندس مظاهری به آن اشاره کرد، همانیست که آقای خاتمی گفتند. ایشان خود، توضیح دادند که هم آقای ستاری‌فر در حوزه سازمان مدیریت و هم آقای مهندس مظاهری در حوزه اقتصاد و دارایی هر دو افراد موافقی بودند و توانسته بودند انتظارات رییس‌جمهور را در زیرمجموعه خود برآورده کنند، اما در آنجایی که این وزارتخانه و

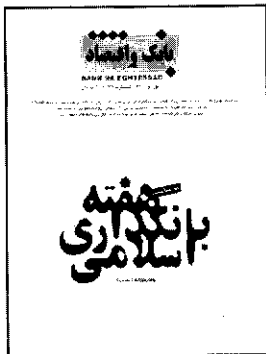


▲ دکتر شیرکوند: وضعیت سیستم بانکی در مقایسه با بقیه بخش‌ها رضایت‌بخش است، گرچه اصلاً مطلوب نیست.

۹ / یعنی واقعاً با تعویض این دو نفر مسایل کاملاً حل شد و تعامل لازم برقرار است؟

□ مشکلاتی که بین این دو نهاد وجود دارد، همواره باید وجود داشته باشد و همیشه هم وجود داشته است. شما به هر مقطع تاریخ که برگردید، می‌بینید که با توجه به کارکرد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و همچنین کارکرد وزارت اقتصاد و دارایی اینها همیشه با مشکل و عدم توافق روبرو بوده‌اند. در واقع، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی براساس مجموعه برآوردهایی که دارد، بودجه سالانه را برنامه‌ریزی، تصویب و اجرا می‌نماید. برای وزارت امور اقتصاد و دارایی نیز نقشی را در جهت تحقق درآمدها قایل شده‌اند. در نتیجه، این دو سازمان، دارای دو نقشی هستند که همانقدر که می‌توانند مکمل هم باشند، می‌توانند محل اختلاف نیز باشند. به عنوان مثال، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی برای یک دستگاه بودجه‌ای را در نظر گرفته و به وزارت اقتصاد و دارایی دستور پرداخت می‌دهد، اما در خزانه پولی برای پرداخت وجود ندارد. این خود می‌تواند اسباب اختلاف شود. حال یک سوال وجود دارد و همیشه هم وجود خواهد داشت و مقام مافوق باید به این سوال پاسخ قطعی دهد و آن این است که آیا هرچه سازمان مدیریت تخصیص داد، خزانه موظف است آن را بپردازد؟ یا خیر، هرچه در خزانه موجودی وجود داشت،

■ ■ ■
ایا هرچه سازمان مدیریت تخصیص داد، خزانه باید بپردازد؟ یا خیر، سازمان مدیریت باید چیزی را تخصیص بدهد که در خزانه موجود است؟
■ ■ ■



هماهنگ با این هزینه‌ها پیدا کنیم.

چون تاکنون روش دوم مینا قرار گرفته است، لذا شما در ستون مربوط به درآمدها یک ردیف می‌بینید به نام "صرفه‌جویی‌های حین اجرای بودجه" که از اول هم همه می‌دانیم که تحقق پیدا نمی‌کند. صرفه‌جویی حین اجرای بودجه، یعنی چه، یعنی من به دستگاه بگویم که صرفه‌جویی کن؟ وقتی الزام نمی‌کنم که کمتر بودجه کن، چگونه می‌خواهم وی را وادار کنم که صرفه‌جویی کند؟

این دو روش، در خیلی از سال‌ها بین دو سازمان چالش جدی ایجاد کرده است. در بعضی از سال‌ها هم مسوولان با توافق یکدیگر به یک عدد بینابین رسیده‌اند و عمل کرده‌اند. **■** به عنوان شخصی که مدت‌ها، مسوولیت تنظیم لوایح، و طرح‌های بخش مالی این وزارتخانه مانند بانک‌ها و بیمه‌ها و بورس و... را به عهده داشته‌اید، خواهش‌مند است بفرمایید که به نظر شما، تغییر بافت مجلس شورای اسلامی، در شرایطی که گذشت، چه تاثیری بر آن طرح‌ها و لوایح خواهد گذاشت. آیا آنها همه به جای خود باقی می‌مانند یا باز دوباره از نو باید همه چیز شروع شود؟

□ ببینید، نمایندگان جدید مجلس شورای اسلامی، قطعاً قصدشان این است اوضاع را روبه‌بهبود ببرند. لذا در تنظیم سیاست‌های اقتصادی موضوع بحث ما، نمایندگان مجلس با دو مولفه روبرو می‌شوند که این دو مولفه می‌تواند موجب تقلیل سیاست‌ها و یا عملیاتی کردن آنها شود:

مولفه اول، اختلاف در دیدگاه است، یعنی مثلاً رویه حاکم نشأت‌گرفته از یک دیدگاه یا یک طرز تفکر و یا یک بینشی است که نمایندگان جدید دارای یک مکتب فکری دیگری هستند که با هم اختلاف دارند. مثلاً فرض کنید که یک گروه دولت‌گرا ترند و یک گروه بازارگرا تر (در صورتی که ما بخواهیم دولت و بازار را به عنوان دو رویه در مقابل هم قرار بدهیم). خوب، این می‌تواند در سیاست‌ها تغییر ایجاد کند. از این منظر، من گمان نمی‌کنم که نمایندگان مجلس هفتم، در حوزه اقتصاد، دارای یک مکتب اقتصادی متفاوتی از آنچه باشند که تاکنون در کشور رایج بوده و عمل شده است.

مولفه دوم می‌تواند واقعیت‌های حاکم بر اقتصاد کشور باشد. بنده از واقعیت‌های اقتصادی کشور تصویری دارم و شخص دیگر، تصور دیگری دارد. به عبارت دیگر، اطلاعاتی که از اقتصاد کشور داریم، می‌تواند نزد دو نفر در کشور متفاوت باشد. در نتیجه، رهنمودها و یا برنامه‌های متفاوتی را نیز از این می‌کنند. ولی وقتی به هم برسند و اطلاعات را با هم تطبیق بدهند، می‌بینند که بسیاری از آنچه را که فکر انجام‌شدن آن را داشته‌اند، اصلاً امکان اجرا ندارد. در نتیجه، وقتی که اطلاعات اقتصادی ردوبدل می‌شود (که البته زمان می‌برد) دوباره

سازمان مدیریت باید تخصیص بدهد؟ این سوالی است که مقام مافوق و سیاستگذار باید برای آن تعیین تکلیف کند. اگر این اختلافات حل نشود و آنها با هم به توافق نرسند، بدیهی است که این مشکلات همیشه وجود خواهند داشت و حل آنها هم به عهده مقام مافوق می‌باشد.

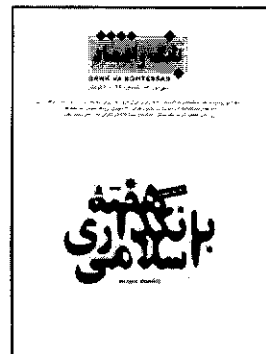
رویه‌مرفته، یا روندی که اکنون این دو سازمان در پیش گرفته‌اند، به نظر می‌رسد که تا آخر سال مشکلی نخواهیم داشت، ولی این سوال هنوز هم رفع نشده است.

■ / نظر خود شما چیست؟ آیا فکر می‌کنید که هرچه سازمان مدیریت تخصیص داد، خزانه موظف است آن را بپردازد؟ یا خیر، هرچه در خزانه موجودی وجود داشت، سازمان مدیریت باید تخصیص بدهد؟

□ باید پاسخ این سوال را قبل از آمدن قانون بودجه و در هنگام تنظیم لایحه بودجه داد. در تنظیم لایحه بودجه، اگر درآمدهای دولت منطبق با واقعیت باشد و اگر هزینه‌های در نظر گرفته شده هم براساس توانایی‌هایی برای پرداخت باشد، مشکل کمتری بوجود می‌آید، منتها ما در لایحه بودجه آمده‌ایم و گفته‌ایم که درآمدهای دولت بشود ۱۵۰، بر اساس آن هزینه‌های بودجه هم شد ۱۵۰، لیکن در عمل مشاهده می‌کنیم که نصف آن هزینه‌ها اضافه بوده و از ابتدا هم می‌دانستیم که نصف آن تحقق پیدا نمی‌کند. وقتی که ما این عدد را بدون هیچ برنامه‌ریزی در اینجا قرار می‌دهیم، بدیهی است که حتماً دچار اختلاف نظر و مشکل می‌شویم. زیرا آنچه مسلم است، هزینه‌ها در این کشور همیشه تحقق پذیرفته است و شما به هر دستگاه خور عددی را به عنوان بودجه بدهید، آن را خرج خواهد کرد و خوشبختانه اصلاً مشکلی در این قسمت نداریم، یعنی اگر بودجه دستگاه را دو برابر هم بکنیم، آن را خرج خواهد کرد، منتها درآمدهاست که محدودیت ایجاد می‌کند.

می‌توان سوال را در یک سطح بالاتر برد و آن این که مقام مافوق باید تکلیف را تعیین بکند که آیا اول باید درآمدهای کشور را مشخص کرد و براساس میزان درآمدهای احتمالی و قطعی، برای آنها هزینه تعریف کرد یا برعکس؟ این یک روش بودجه‌نویسی است که می‌گوید ابتدا باید به سراغ درآمدها برویم و مورد به مورد آنها را بررسی کنیم و هرکدام را که فکر می‌کنیم تحقق می‌پذیرد، لحاظ کنیم تا برسیم به یک رقمی که درآمد را مشخص می‌کند. سپس براساس این درآمد، برویم به سراغ هزینه‌ها و بگوییم اینقدر درآمد داریم و اینقدر دستگاه وجود دارد. پس سهم هرکدام را تعیین کنید تا بدانند که چقدر از این درآمد به آنها می‌رسد. روش دیگر این است که ابتدا هزینه‌ها را محاسبه نموده و می‌گوییم در کشور ما بنا به اقتضات و ضرورت‌ها، این عدد برای هزینه‌ها محسوب می‌شود. حال باید برای آن هزینه‌ها به دنبال درآمد بگردیم و درآمدهای مختلف را

در این کشور هزینه‌ها همیشه تحقق پذیرفته است، اما درآمدهاست که محدودیت ایجاد می‌کند.



به کار می‌کند و در مورد تک تک متغیرهای اقتصادی، یک تصویر مشترک با دولت پیدا می‌نماید. به عنوان مثال، ممکن است اکنون بنده فکر کنم که خیلی چیزها می‌تواند در این کشور اتفاق بیفتد و شاید بتوانم به عنوان یک آرمان و یا انتظار آنها را بیان نمایم، منتها وقتی که واقعیت را محاسبه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که چه محذوراتی در آنها وجود دارد.

❖ / طرح‌ها و لوایحی که در مجلس در جهت اصلاح بخش پولی و بانکی وجود داشت، مانند طرح اصلاحات راهبردی، طرح تفکیک بازار پول و سرمایه و... به کجا می‌انجامند؟ آیا اینها هم می‌روند برای بعد از بررسی لایحه بودجه یا خیر؟

□ خیر، بسیاری از این طرح‌ها اکنون در مجلس به تصویب رسیده و رفته است برای شورای نگهبان. شورای نگهبان هم ایرادات خیلی جزیی گرفته که قابل رفع می‌باشد. من فکر می‌کنم که وقتی مجلس شروع به کار کند، ما در مورد طرح‌ها و لوایح خود با این مجلس مشکلی نخواهیم داشت، زیرا این لوایح نیاز کشور را مطرح می‌نمایند و براساس ارزیابی و مطالعات کارشناسانه مطرح شده‌اند و چون نگاه مجلس هفتم قطعاً کارشناسی خواهد بود، لذا در این زمینه گمان نمی‌کنم که با توقف و یا حذف روبرو شویم.

❖ / به عنوان معاون وزارت اقتصاد و دارایی بفرمایید که سیستم بانکی کشور در حال حاضر چه کیفیتی را داراست؟ و چه آینده‌ای را می‌توان برای آن پیش‌بینی کرد؟

□ پاسخ به این سوال ابعاد مختلفی دارد. سیستم بانکی، یک پدیده مجرد نیست که من بگویم خوب است یا بد، بلکه یک پدیده مرکب است که اجزای مختلفی دارد. زمانی است که شما از میزان کارکردن در سیستم بانکی سوال می‌کنید، در این صورت، من معتقدم که سیستم بانکی یکی از بخش‌هایی است که بیشترین حجم فعالیت در آن شکل می‌گیرد. یک کارمند در سیستم بانکی، زمانی را که صرف کار خود می‌کند، از بسیاری از دستگاه‌های دیگر بیشتر است. به گفته خودشان که می‌گویند "ما نمی‌رسیم جای هم بخوریم." چه آنها که پشت گیشه هستند و چه کسانی که در بخش‌های دیگر کار می‌کنند.

اما در یک معادل کلی، وضعیت سیستم بانکی ما در مقایسه با بقیه بخش‌ها رضایت‌بخش است، گرچه اصلاً مطلوب نیست، یعنی وقتی که آن را با بقیه بخش‌های اقتصادی مقایسه می‌کنیم، نمره‌ای که به سیستم بانکی می‌دهیم، در حد رضایت می‌باشد.

❖ / قطعاً منظور تان همان سطح و دیدگاه مردم ایران است که شاید اکثراً تعریفی هم از سیستم بانکی خوب نداشته باشند، نه در سطح جهانی؟

□ اصلاً ما داریم درباره ایران صحبت می‌کنیم و سیستم بانکی

برمی‌گردیم به همان مسیر قبلیمان و با هم حرکت می‌کنیم. در این مورد نیز من فکر می‌کنم که مجلس هفتم هرچه بیشتر با اطلاعات و آمارهای کلان اقتصادی کشور درگیر شود، با واقعیت‌های اقتصادی در کشور بهتر آشنا می‌شود و در آن زمان به این نتیجه می‌رسد که آنچه در اقتصاد کشور اتفاق افتاده، در چه محذوراتی صورت گرفته است. اگر این محذورات نبود، شاید آن اتفاق نمی‌افتاد. این است که من در مجموع نتیجه می‌گیرم که مجلس هفتم در حوزه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی تغییرات شگرفی را به وجود نخواهد آورد، چون مسیری که انتخاب شده، یک اجماعی در آن وجود دارد.

درست است که عده‌ای به برنامه‌ها و سرعت آنها انتقاد دارند، ولی بیشتر صاحب‌نظران اقتصادی، استادان دانشگاه، دولتمردان و سیاستمدارانی که به این موضوع انتقاد می‌کنند، در نهایت حرف‌هایشان یک چیز است و همه بر این باورند که اقتصاد کشور چند ایراد و زیرساخت دارد که این زیرساخت‌ها را باید تغییر داد. به طور مثال، همه معتقدند که حجم دولت زیادی بزرگ شده است، که باید کوچک شود؛ همه معتقدند که بسیاری از بنگاه‌ها و شرکت‌هایی که در اختیار دولتند، باید به بخش خصوصی واگذار شوند؛ همه معتقدند که کارایی و بهره‌وری باید ایجاد شود؛ همه معتقدند که سرمایه‌گذاری‌ها باید تقویت شود. این چیزهاییست که همه می‌گویند. تورم، گرانی و رکود هم چیزهاییست که همه می‌گویند. بنابراین، تفاوت معنی‌داری - حداقل بین تفکرات این مجلس با مجلس گذشته - وجود ندارد.

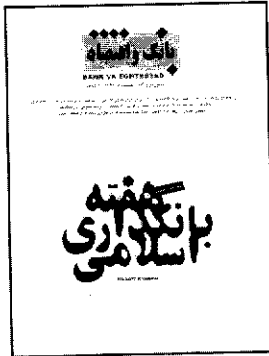
❖ / سرعت و کیفیت عملکرد مجلس فعلی چطور است؟ آیا مانند مجلس قبلی است یا کمتر یا بیشتر است؟

□ ما به عنوان تجربه همیشه می‌گوییم "تا مجلس یک لایحه بودجه را بررسی نکند، هنوز راه نیفتاده است." این لایحه بودجه را که بررسی کرد و با اعداد و ارقام که آشنا شد، آنگاه این مجلس می‌تواند مسیر حرکتش را تعیین کند. مجلس وقتی تازه تشکیل می‌شود، چون اطلاعات جامع و دقیقی از اقتصاد کشور ندارد، لذا قابل قضاوت و ارزیابی نیست و وقتی که یک لایحه بودجه را بررسی کرد، متوجه خواهد شد که برای هر کدام از انتظاراتی که می‌خواهند عملی کنند، به چه منابعی نیاز دارند و چه هزینه‌هایی ایجاد خواهد شد. و آیا شدنی هست یا شدنی نیست؟ سپس در جریان کار قرار می‌گیرند و...

❖ / این روند چقدر طول می‌کشد؟

□ شروع کار مجلس معمولاً در خرداد است. یک، دو تا سه ماهی هم برای تدوین آیین‌نامه‌ها و رسیدگی به اعتبارنامه‌ها و کمیسیون‌هایشان... طول می‌کشد. بعد معمولاً به تعطیلات تابستانی می‌خورند و بعد اواسط مرداد برمی‌گردند. سه تا چهار ماه هم طی می‌کنند تا دولت در آذرماه لایحه بودجه را می‌دهد. لایحه که به مجلس رفت، آنوقت مجلس به طور حقیقی شروع

■ ■ ■
مجلس هفتم در حوزه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی کشور تغییرات شگرفی را به وجود خواهد آورد.
■ ■ ■



پیش نمی‌رود که فکر کنید که اگر نرخ سود را کم کنید، مشکل تورم حل می‌شود. و یا فکر کنیم که اگر مساله تورم را حل کنیم، نرخ سود بانکی هم حل می‌شود.

چنانچه بخواهیم در مورد نرخ سود بانکی و کاهش آن حرف بزنیم، باید بدانیم که اصلاً نرخ سود بانکی چیست؟ کاهش نرخ سود بانکی، یعنی این که اگر کسی به بانک رفت و وام گرفت، سود کمتری بدهد. پس اولین سوال در اینجا مطرح می‌شود که بانک این پول را از کجا می‌آورد و به این فرد می‌دهد؟ جز این که از سپرده‌گذاران جمع می‌کند و به آن شخص متقاضی وام می‌دهد؟ اگر قرار باشد که از وام‌گیرنده سود کمتری بگیرد، پس باید به سپرده‌گذار هم سود کمتری بدهد، چون بانک در مورد این وجوه وکیل سپرده‌گذار می‌باشد. حال اگر نرخ سود سپرده‌گذار را کم کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این پول ماحصل زحمات گذشته فرد سپرده‌گذار است که روی هم انباشته شده و اینقدر شده است و حال می‌خواهد از آن استفاده نماید. بنابراین، بررسی می‌کند که این پول را در چه جاهایی می‌تواند ببرد: بانک، بورس اوراق بهادار، فعالیت‌های اقتصادی و... بنابراین، سپرده‌گذار به جایی می‌رود که سود بیشتری در آنجا وجود داشته باشد. اگر بخواهیم نرخ سود بانکی را برای سپرده‌گذار کاهش دهیم، خوب، او به بازار می‌رود، و در این صورت، بانک تعطیل می‌شود. اگر بخواهیم سپرده‌گذار را حذف کنیم، پس بانک از کجا به متقاضیان وام بدهد؟

نکته دیگر اینکه، سپرده‌گذار می‌داند که با معضلی به نام تورم هم روبروست و این را نیز می‌داند که امروز یک میلیون تومان، یعنی قدرت خرید به میزان یک میلیون تومان، امروز می‌تواند با این پول مثلاً ده عدد دوچرخه خریداری نماید. حال فکر کنید که این شخص بیاورد و با توجه به میزان تورم ۱۵ درصدی، پول خود را در بانک با نرخ سود پنج درصد بخواهاند، مسلم است که در سال آینده با پول خود دیگر نمی‌تواند ده عدد دوچرخه بخرد. خوب، چطور می‌توانیم دستور کاهش نرخ سود بانکی را بدهیم، در حالی که می‌دانیم که قدرت خرید شخص را پایین می‌آورد؟

از سوی دیگر، این بحث هم درست است که وقتی نرخ سود بانکی بالاست، تولیدکنندگان چگونه می‌خواهند کار کنند؟ کدام فعالیت تولیدی آنقدر سود دارد که ۱۵ درصد آن را به بانک برگردانند؟ بنابراین، در اینجا مساله دیگری مطرح می‌شود به اسم بازارهای کاذب و اقتصاد زیرزمینی. در اقتصاد زیرزمینی، نرخ سود بالای ۳۰ درصد است. خوب، با این حساب من چگونه می‌توانم بانک را مجاب کنم که در شرایطی که این نرخ در بازار زیرزمینی ۳۰ درصد است، تو نرخ سود خود را پایین هم بیاور و به ۱۷ درصد برسان؟ در واقع، من در چنین شرایطی یک نوع رانت توزیع کرده‌ام. زمانی است که شما رانت را به شکل هدقمند

را نسبت به دستگاه‌های دیگر ایران می‌سنجیم. یک مثلی هست که می‌گوید: ما همه مثل بیکانیم که همه اجزا را در کنار هم گذاشته‌ایم و می‌گوییم سهمیه است.

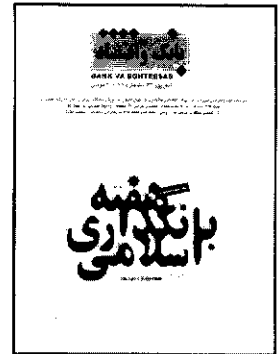
منتها درباره این که آیا سیستم بانکی فعلی سیستم مطلوبی است یا خیر؟ باید گفت که ما هم در جهت استفاده از روش‌های نوین خدمت‌رسانی خیلی ضعیف هستیم و هم از جهت سرعت عمل و هم در جهت دادن سرویس‌های تسهیلاتی و... یکی از مشکلات عمده‌ای که در این میان وجود دارد، این است که سیستم بانکی در اختیار دولت می‌باشد. همه هم می‌دانند که بالاخره در سیستم‌های دولتی، متغیر تصمیم و یا بهره‌وری وجود ندارد.

حال یکی از اقدامات اساسی که دارد صورت می‌گیرد، فعال شدن بانک‌های خصوصی و سازمان یافتن بازار غیرمتمشکل پولی است و بانک‌های دولتی هم می‌روند به سوی ادغام یا واگذاری. مجموعه اینها می‌تواند ما را به جایی برساند که بتوانیم به یک سیستم رضایت‌بخش برسیم.

همانطور که می‌دانید، اخیراً در مجلس حساسیت‌های زیادی در باره نرخ سود دیده می‌شود و بعضی معتقدند که علت اصلی تورم بالا، نرخ سود بانک‌هاست. خواهش می‌کنم بفرمایید که نظرتان در این مورد چیست؟ و چنانچه ممکن است، نظر جناب وزیر را هم در این زمینه بفرمایید.

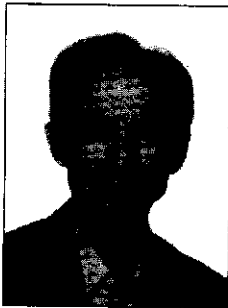
درباره این که یکی از علت‌های تورم، نرخ سود بانکی است، اگر رابطه آن را طولی بگیریم، من اعتقادی ندارم، یعنی علت تورم سود بانکی است و معلول سود بانکی تورم است. به این رابطه، یک رابطه طولی می‌گویند. منتها من معتقدم که یک رابطه حلقوی برقرار شده است، یعنی درست است که یکی از علل تورم سود بانکی است، ولی یکی از علت‌های سود بانکی نیز تورم است، یعنی یک رابطه متقابل برقرار است. در عین این که علت همدیگر می‌باشند، معلول همدیگر هم هستند. ضمن این که به نظر من، در شکل‌گیری تورم فقط همین یک عامل وجود ندارد و در شکل‌گیری نرخ سود بانکی هم فقط عامل تورم موثر نیست. اینها دو متغیر مستقل و وابسته انتزاعی نیستند که کسی بخواهد در مورد همین دو تا حرف بزند و بگوید: خوب، حال اگر همین دو هستند، پس یا این بیاید پایین یا آن یکی، و بعد هم شروع کنیم به عمل کردن. هرکدام از اینها دنیایی از متغیرهای دیگر را هم با خود حمل می‌کنند. یادمان باشد که در اقتصاد این تجربه را داریم که در خیلی جاها دستور دادیم و نشد. می‌دانیم که اقتصاد با دستور پیش نمی‌رود. در هیچ کجا هم پیش نمی‌رود. اقتصاد سازوکار خود را دارد و آنقدر هم در اجرای سازوکارهای خود خشک و بی‌ملاحظه است که بعضی به عنوان چرخ‌دنده‌های بیرحم از آن نام می‌برند. یا دستور دادن کاری از

بانک مرکزی باید تفاوت فاحش نرخ بین بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی را مورد توجه قرار دهد و آنها را به یکدیگر نزدیک کند.



دستاندرکاران مجله وزین بانک و اقتصاد تشکر کنیم که مقارن با فرارسیدن پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، قسمتی از صفحات مجله را به این مصاحبه اختصاص داده‌اند تا شاید به آشنایی بیشتر و در ضمن به رفع برخی از سوء تفاهم‌ها و سوء تعبیرهایی که در مورد بانکداری اسلامی وجود دارد، منجر شود.

نخستین سوال این مصاحبه را خیلی خوب و زیرکانه مطرح فرموده‌اید. به نظر بنده، طرح این سوال بیشتر جنبه استفهام انکاری دارد تا استفهام، و اگر اجازه بفرمایید، باید عرض کنم که خیلی هم کلی طرح شده است. من انتظار داشتم بفرمایید که نحوه اداره سیستم بانکی در ایران مشخصاً چه منافاتی با اصول بانکداری اسلامی دارد؟ تا در آن موارد مشخص، پاسخ شما را مورد به مورد حضورتان عرضه می‌داشتیم. این را خالصانه می‌گویم. عادت کرده‌ایم که بدون تحقیق لازم و اشراف بر مسایل اقتصادی - اجتماعی کشورمان، به یک برخورد سطحی با آن مسایل اکتفا کنیم، در حالی که روزگار بحث در کلیات، مقدمات، تشریفات و تعارفات - به اعتقاد بنده - گذشته است.



► دکتر هدایتی: تا آنجا که من مطالعه کرده‌ام، هنوز یک نظر معتدل و در عین حال منطقی درباره خصوصی سازی بانک‌ها ارایه نشده است.

با این مقدمه، سوال کلی شما را از دو دیدگاه پاسخ می‌دهم: نخست از دیدگاه تئوری که متفکران و صاحب نظران اقتصاد و بانکداری اسلامی بر آن صحه گذاشته‌اند و مطالعات این دانشوران در برخی دانشگاه‌ها و موسسات علمی و تحقیقی جهان همچنان ادامه دارد. مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه هاروارد در آمریکا، دانشگاه دورهام در انگلستان، مرکز بین‌المللی تحقیق در اقتصاد اسلامی وابسته به دانشگاه ملک عبدالعزیز در جدّه - عربستان، موسسه مطالعات راهبردی (Institute of Policy Studies) در پاکستان و در کشور خودمان مطالعات برخی سازمان‌های ذیربط، از جمله دفتر مطالعات اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده اقتصاد اسلامی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده پولی و بانکی و موسسه عالی بانکداری ایران از آن جمله‌اند.

قصده ندارم وارد مباحث تئوریک که به یک معنی لازم و ملزوم پاسخ به سوال مطروحه است، بشوم، لکن به اختصار عرض می‌کنم که مابه‌الاشتراک تمامی این مطالعات، حذف ربا و انطباق عملیات بانکی بر موازین شرعی است که به عنوان دو

توزیع می‌کنید و می‌دانید که دارید چه کاری را انجام می‌دهید، ولی چنانچه نرخ سود را بدون بررسی ۱۲ درصد بکنیم، باعث شده‌ایم تا کسانی که دستشان به این پول می‌رسد، آن را در بازار سیاه توزیع نمایند.

حال شما ممکن است بگویید برای این که موتور اقتصاد راه بیفتد و بتواند جلوی تورم را بگیرد، باید تولید راه بیفتد. پس شما به بانک بگویید که نرخ سود خود را پایین بیاورد و برای این که به هدف اصابت نماید، برود و در بخش‌های تولید سرمایه گذاری نماید. من این عقیده را هم قبول دارم، منتها نه با شرایط فعلی، چون در شرایط فعلی تشخیص اصابت به هدف به عهده کارمند بانک می‌افتد، در حالی که کارمند بانک متخصص نیست. کسی می‌آید و ۵۰۰ میلیون می‌گیرد برای این که برود و کارخانه‌ای را احداث نماید، به این انگیزه که نرخ سود آن ۱۴ درصد بوده است. اما ۱۰۰ میلیون آن را کارخانه می‌زند و بقیه را در بازار سیاه به کار می‌اندازد. خوب، ما با این کار، مامور بانک خود را نیز فاسد کرده‌ایم و چنانچه وی را صادق بدانیم، می‌گوییم قدرت کارشناسی ندارد تا تشخیص بدهد که ارزش کارخانه چقدر است. لذا اگر بانک بتواند چنین کاری را بکند، لازمه آن وجود یک نهاد نظارتی است، یعنی باید اتحادیه صنف را درگیر ماجرا کنیم، یا سازمان مهندسی آن حرفه را درگیر موضوع نماییم و از آنان به عنوان یک نهاد نظارتی برای مدیریت بر خودشان استفاده کنیم. این موضوع، ریسک را کم می‌کند، سلامت بیشتری می‌آورد و در نهایت به ما کمک می‌کند که اگر احیاناً نرخ سود بانکی را پایین آوریم، بدانیم که حداقل به هدف اصابت نموده است.

□ از توضیحات ارزنده شما سپاسگزاریم.

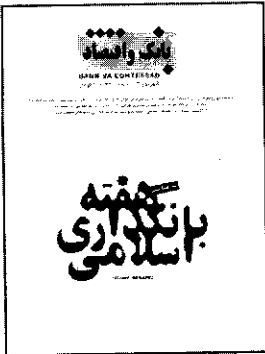
فردا خیلی دیر است

تهیه یک گزارش بدون داشتن نظر کارشناسانه یک صاحب نظر ارزش چندانی ندارد، به خصوص که در این میان یک طرف جدی بحث هم همان صاحب نظران می‌باشند. دکتر سیدعلی اصغر هدایتی، استاد و صاحب نظر پرمایه در زمینه مبانی اقتصاد اسلامی و موازین بانکداری بدون ربا، با اشراف کامل نسبت به الزامات و مقدمات و مقارنات بانکداری اسلامی به سوالات ما پاسخ می‌دهند.

□ جناب دکتر هدایتی، به نظر شما، در حال حاضر، نحوه اداره سیستم بانکی در ایران چه منافاتی با اصول بانکداری اسلامی دارد؟ و آیا اصولاً اداره کردن سیستم بانکی ایران براساس موازین و اصول بانکداری اسلامی، امکانپذیر می‌باشد؟

□ قبل از پاسخ به سوال مطروحه، لازم می‌دانم که از مدیران و

البته ممکن است که در روش‌های حذف ربا جای بحث وجود داشته باشد، لکن از دیدگاه تئوری، تمامی کشورهایی که بانکداری اسلامی را به تجربه درآورده‌اند، با موفقیت کامل یا موفقیت نسبی، ضوابط مذکور را به کار گرفته‌اند.



اجازه بدهید در ابتدا عرض کنم که اجرای بانکداری غیردولتی و یا خصوصی مترادف با "آزادسازی" نیست. منظور این است که ما در کنار روش موجود - بانکداری دولتی - می‌خواهیم روش جدیدی را به وجود آوریم که اولاً، روشی باشد قانونمند در چارچوب مصوبه مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های ذیربط؛ ثانیاً، روشی باشد که در چارچوب نظام بانکداری اسلامی به اجرا درمی‌آید و مفهوم آن این است که بانکداری اسلامی لزوماً و منحصرأ ناظر بر بانکداری دولتی نبوده و به یقین بانکداری غیردولتی را نیز دربرمی‌گیرد؛ ثالثاً، مبانی فقهی و حقوقی آن به هیچ روی قابل تردید نمی‌باشد.

اما ناگفته نمی‌توان گذاشت که این روش اجرایی بانکداری غیردولتی یا خصوصی، با رقابت، ایجاد انگیزه، کارایی و کارآفرینی که از مختصات بانکداری خصوصی است، در بانکداری دولتی کمتر ملاحظه می‌شود. با وجود این، ساختار اقتصاد و بانکداری کشور، نشانگر آن است که خصوصی‌کردن تمامی بانک‌های دولتی موجود، بسیار قابل‌تامل است و با منطق اقتصادی سازگار نیست.

به نظر بنده، بانک‌های تخصصی ما مثل بانک‌های کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن و توسعه صادرات از نظر انجام عملیات و ایفای تعهداتی که برعهده دارند، با ساختار و زیربنای اقتصاد کشور ما در ارتباط نزدیک قرار دارند و ماهیت عملیات آنها - چه از نظر حجم و چه از لحاظ مصلحت - به گونه‌ای است که واگذاری این عملیات به بخش خصوصی ممکن است به متافع و مصالح جامعه نباشد. در این صورت، فکر می‌کنم که چنانچه این بانک‌ها همچنان در حیطه اختیار دولت قرار داشته باشند، از نظر تقویت بنیان مالی و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که علی‌الاصول به لحاظ بلندمدت بودن مختص این نوع بانک‌هاست، بیشتر قابل توجیه باشد. اما در مورد بانک‌های تجاری که اکثراً عملیاتشان کوتاه‌مدت است و با امور زیربنایی و توسعه‌ای ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی ندارد، ملاحظاتی که در مورد بانک‌های تخصصی عرض کردم، کلاً یا بعضاً منتفی است و بنابراین، واگذاری این بانک‌ها به بخش خصوصی مانعی نمی‌تواند داشته باشد.

سوالی که بلافاصله در این رابطه مطرح خواهد شد، این است که تکلیف بانک ملی ایران به عنوان بزرگترین بانک تجاری کشور چه خواهد شد؟ به نظر بنده، با عنایت به بند "الف" ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱، مشعر بر لزوم نگهداری حساب‌های وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی در بانک مرکزی و با توجه به این که در موارد مذکور در مراکز استان‌ها، بانک ملی ایران به نمایندگی بانک مرکزی عمل می‌نماید، لذا مادام که شعب بانک

مولفه و بهتر بگویم دو ضابطه ملاک تشخیص بانکداری اسلامی از بانکداری غیراسلامی است. و به نظر من، این بی‌مهری است که در ارزیابی بانکداری اسلامی در کشورمان این دو ضابطه را مطمح‌نظر قرار ندهیم. البته ممکن است که در روش‌های حذف ربا جای بحث وجود داشته باشد، لکن از دیدگاه تئوری، تمامی کشورهایی که بانکداری اسلامی را به تجربه درآورده‌اند، با موفقیت کامل یا موفقیت نسبی، ضوابط مذکور را در اسلامی‌کردن اقتصاد و بانکداری خود به کار گرفته‌اند و کشور ما نیز از این جمع مستثنا نبوده است.

از دیدگاه کاربردی، ممکن است در برخی از کشورها موضوع با این صراحت و شفافیت به مرحله اجرا درنیامده باشد، اما باید توجه داشت که هر پدیده جدید در جریان عمل با شماری از کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها مواجه است، اما این دلیل نمی‌شود که در اصلاح آن کوشش لازم به عمل نیاید.

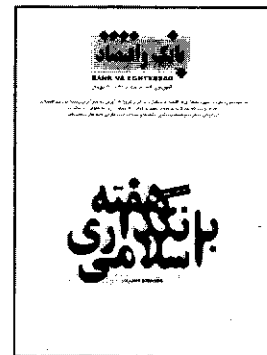
توجه خوانندگان گرامی بانک و اقتصاد را به فزایی از مقاله اخیر روزنامه گلف‌دیلی نیوز معطوف می‌دارم که می‌گوید: «بانکداری اسلامی نشان داده است که به اندازه رقبای بانکی در غرب و در بقیه نقاط جهان قدرتمند است، اما نیاز دارد تا کارها و اقدامات بیشتری را برای پتانسیل مالی یک میلیارد مسلمان سرمایه‌گذار در سراسر جهان به وجود آورد.»

در پاسخ به بخش دوم سوال نخستین که آیا اصلاً اداره کردن سیستم بانکی ایران براساس اصول بانکداری اسلامی امکانپذیر است؟ باید عرض کنم که به اصطلاح "نیکی و پرسش"؟! اگر امکانپذیر نبود که سالیان دراز روی آن مطالعه نمی‌شد و مراحل قانونی خود را طی نمی‌کرد و در دو دهه اخیر و مشخصاً در دوره جنگ تحمیلی دشمن بعثی عراق علیه کشورمان، از پای درمی‌آمد. آمار افزایش حجم سپرده‌های بانکی و تسهیلات اعطایی بانک‌ها و تغییرات قابل ملاحظه شاخص‌های اقتصادی کشور که مرتباً در نشریه نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی و گزارش سالانه عملیات بانک‌های کشور که همه‌ساله در ویژه‌نامه همایش‌های بانکداری اسلامی درج می‌شود، حاکی از این واقعیت است.

■ / همانطور که می‌دانید، در حال حاضر، اختلاف‌نظرهایی پیرامون خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی وجود دارد. خواهشمند است نظر خودتان را در این مورد بیان بفرمایید.

□ سوال بسیار خوبی است و فرصتی بسیار مفتنم برای بنده که شاید نظریاتی که در حد بضاعت مصاحبه‌شونده آرایه می‌گردد، بتواند در رفع اختلافاتی که اشاره فرمودید، مفید فایده قرار گیرد. به نظر بنده، این اختلاف‌ها بیشتر از عدم شناخت نظام بانکی کشور نشأت می‌گیرد و تا آنجا که من مطالعه کرده‌ام، هنوز یک نظر معتدل و در عین حال منطقی در این باره آرایه نشده است.

■ ■ ■
بانکداری اسلامی لزوماً
و منحصرأ ناظر بر
بانکداری دولتی نبوده و
به یقین بانکداری
غیردولتی را نیز
دربرمی‌گیرد.



نظام بانکی ما در دو دهه اخیر با دو مشکل نیز مواجه بوده است: الف - عوامل برون‌زا، مانند جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه میهن و تسهیلات تکلیفی که به موجب قانون بانک‌ها را موظف نموده است که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از منابع خود را در قالب تبصره‌های بودجه به مصارف پیش‌بینی‌شده که اکثراً بازگشت ندارند و بر مطالبات معوقه بانک‌ها می‌افزایند، تخصیص دهند. ب - عوامل درون‌زا، شامل ساختار حقوق بانکی کشور، که متأثر از بافت دولتی بانک‌هایی است که بدین شیوه فعالیت می‌نمایند و به علاوه، نارسایی در پاره‌ای از مقررات زیربنا که ضرورت بازرسی بر بانک‌ها را ایجاد می‌کند.

ب / به نظر شما، چه راهکارهایی برای رفع مشکلات و نقاط ضعف سیستم بانکی وجود دارد و در جهت به‌روزرسانی آن کارساز می‌باشد؟

□ رفع مشکلات و نقاط ضعف سیستم بانکی و به‌روزرسانی آنها مانند سایر موسسات و سازمان‌های خدمات‌رسانی است. بی‌تردید تحقق این اهداف از طریق انطباق موسسات مذکور با نوآوری‌ها و فن‌آوری‌های جدید امکانپذیر می‌باشد. در دنیای کنونی که بشر به کمک اندیشه بر بیکران آسمان‌ها دست یافته و هر روز شاهد پیشرفت‌های نوین در عرصه علم و فن‌سالاری هستیم، نمی‌توانیم تنها نظاره‌گر این پیشرفت‌ها از برج عاج‌گونه تخیل و توهم باشیم. قدر مسلم این است که در چنین عرصه و زمانه‌ای، در دنیای بانکداری نیز نمی‌توان خدمات روزافزون بانکی را با بانکداری چرتکه‌ای و ابزارهای کهنه و زنگ‌خورده قدیمی عرضه داشت. باید قبول کنیم که وارد هزاره سوم شده‌ایم و تردید نمی‌توان داشت که با ورود در این هزاره، درج‌ازدن و عقب‌گرد به دوران گذشته، به هیچ روی قابل قبول نمی‌تواند باشد. بخواهیم یا نخواهیم، تا خیلی دیر نشده است، می‌باید خود را با این پیشرفت‌ها هماهنگ سازیم. چگونه ممکن است در روزگاری که وسایل و ابزارها و نوآوری‌های جدید، از جمله Office & Home Banking تامین نیازهای بانکی را به سهولت انجام‌پذیر ساخته است، ما هنوز برای استفاده از خدمات بانکی، ساعت‌ها وقت‌گرانیهای خود را در ترافیک شهرهای بزرگ و صف‌های طولانی دریافت و پرداخت وجوه در بانک‌های موردنظر تلف کنیم؟ چگونه در شرایطی که در عرصه بانکداری جدید، استفاده از دستگاه‌های خودپرداز (ATM) و یا کارت‌های اعتباری به منزله یک ابزار عمومی درآمده است، در نبود و یا ضعف یک سیستم اطلاع‌رسانی کامل، ما نتوانیم حتا چک‌های تضمینی و یا تراول‌چک‌های یک بانک را از بانک دیگر وصول نماییم؟

باز هم جای خوشوقتی است که در این شرایط، به همت بانک مرکزی و چند بانک تجاری کشور، سرانجام گام‌های مفیدی در عرصه شبکه تبادل اطلاعات بین‌بانکی (طرح شتاب) برداشته شد، طرحی که به حکم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

مرکزی در مراکز استان‌ها ایجاد نشده است، اصلاح آن است که بانک ملی ایران همچنان به عنوان یک بانک دولتی تلقی شود. ب / مدت‌هاست که بین صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران مدیریت بانک‌های کشور بحث پیرامون میزان بهره یا سود بانکی مطرح است. خواهشمند است در این مورد هم نظر خودتان را بفرمایید.

□ بله، همانطور که فرمودید، این بحث مدت‌هاست که همچنان در جریان است و هرکس از ظن خود، مطلب را به گونه‌ای توجیه می‌نماید که متأسفانه در پاره‌ای موارد منطبق بر واقعیت و منطق اقتصادی نیست.

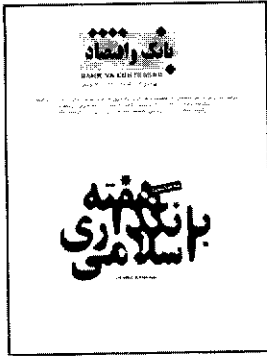
برخی از صاحب‌نظران عقیده دارند که نرخ سود (یا به قول شما، بهره و سود که البته مسامحتاً مترادف پنداشته می‌شوند، در حالی که مطلقاً چنین نیست) سپرده‌ها به خاطر روبیکرد سپرده‌گذاران به جانب فعالیت‌های صنعتی و تولیدی می‌باید کاهش یابد. این صاحب‌نظران یا بهتر بگویم تولیدگرایان تصور می‌کنند که با کاهش نرخ سود سپرده، تمامی مشکلات صنعتی و تولیدی ما برطرف خواهد شد، حال آن که در رابطه با تقویت تولید، کاهش نرخ سود سپرده تنها یک پارامتر است و در نیل بدین منظور به‌طور قطع و یقین به سایر پارامترها نیز باید توجه داشت. این آقایان فراموش می‌کنند یا خود را به فراموشی می‌زنند که ترکیب سپرده‌های سرمایه‌گذاری، به گونه‌ای است که از نظر تعداد، طبقات کم‌درآمد جامعه بیشترین سهم را در آن دارند و سود حاصل از سپرده‌های اندک آنان هم برای تامین کسری درآمدهای ناچیزشان است.

اما نکته بسیار مهمی که نمی‌توان نادیده انگاشت، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای است که بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات اعطایی وجود دارد و تناسب منطقی بین این دو ملاحظه نمی‌شود. البته بیان این مطلب به معنای کاهش چند درصدی نرخ سود تسهیلات مذکور نمی‌باشد، چرا که نرخ‌های تعیین‌شده با وجود آن که نسبتاً قابل‌ملاحظه به‌نظر می‌رسد و همانگونه که اشاره شد، تناسبی با نرخ سود سپرده‌های بانکی ندارد، باز هم اعتبارات ارزانی که از محل منابع سپرده‌گذاران در اختیار منتفعان قرار می‌گیرد، بهترین منبع "رانت" برای آنان بشمار می‌رود، سرمایه‌ارزانی که بازگشت آن غالباً تا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد است.

ب / ارزیابی کلی شما نسبت به عملکرد سیستم بانکی و روش مدیریت بر آن چیست؟ و نقاط ضعف و قوت آن را در کجاها می‌بینید؟

□ در این مورد به‌طور مطلق نمی‌توان اظهار نظر نمود، اما به‌طور نسبی و با توجه به روند صعودی سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها، به اعتقاد من، تجربه بانکداری اسلامی در کشور با موفقیت همراه بوده است و این در شرایطی است که

نکته بسیار مهمی که نمی‌توان نادیده انگاشت، تفاوت قابل‌ملاحظه بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌هاست و تناسب منطقی بین این دو ملاحظه نمی‌شود.



کردند و هر وقت هم که لازم شد، وجوه موجود در بانک‌ها به سوی خرید اوراق مشارکت رفت و آخرین امتیازی هم‌که به دست بانک‌ها آمد، این بود که با این ترفند، یعنی با صدور اوراق مشارکت، عملاً زحمت دادن تسهیلات به طور مستقیم به دولت از سر بانک‌ها کم شد.

درواقع، بانک‌ها تسهیلاتی را می‌دهند که سریعاً بتوانند استرداد کنند، مانند وجوهی که برای واردات به دلان کالای خارجی داده می‌شود، چون نه معطلی در چرخه تولیدی در کار است، نه رقیب قاچاقچی، و نه هیچگونه مانعی در راه فعالیت آنها وجود دارد، لذا واردکننده هرچه را که به عنوان سود تسهیلات به بانک‌ها پرداخت می‌کند، به علاوه منفعت گزافی برای خودش را یکجا محاسبه می‌کند و از مصرف‌کننده می‌گیرد و بعد هم سهم بانک را سریم می‌پردازد.

❖ / ولی بانک‌ها هم ادعا می‌کنند که بنگاه‌های انتفاعی هستند و راهی را انتخاب می‌کنند که آنها را به سود بیشتری برساند. آیا اینگونه استدلال بانک‌هایی که با سرمایه بیت‌المال اداره می‌شوند، منطقی است؟

□ اگر چنین است، پس اقلأ باید مانند آمریکای جهان‌خوار مقررات ضدانحصار وضع شود و عملیات بانکی و پولی کشور را از انحصار این موسسات انتفاعی که همگی به عنوان اعضای پیکری واحد، تمام سیاست‌های پولی و مالی را در جهت به انتفاع رسیدن خود هدایت می‌کنند، درآید. با این مقررات، هرروزه بازار سیاه نزول‌خواری تقویت می‌شود و بخش تولیدکننده کشور که باید با رقبای قدر جهانی دست‌وپنجه نرم کند، در خانه خود توسط موسساتی که باید خدمتگزارش باشند، غارت می‌شود و از پای درمی‌آید!

در طی برنامه سوم توسعه، در دو نوبت هر بار با فاصله یک سال، یک درصد از سود تسهیلات و سپرده‌ها کسر شد که در اواسط سال دوم با اختراع سود روزشمار، این دو درصد هم در طریقه محاسبه جدید قربانی شد. از آن بهتر این که بیشتر شعب بانک‌ها از محاسبه سود بر مبنای کار تولیدی طفره می‌روند و هر رقمی را که خود مایل باشند، در محاسبه می‌گذارند و چون مشتری بیچاره راه به جایی ندارد، لذا اگر به نوع محاسبه شکایت داشته باشد، باطل‌لانی شدن زمان بررسی شکایت، عملاً مشمول جریمه شش درصدی هم خواهد شد!

از طرف دیگر، با حمایت غیراصولی و نایب‌جای بانک مرکزی از سپرده‌گذاران که خود را حامی آنها قلمداد کرده است، مزایای کسب ارزش افزوده به نفع توسعه کشور را قربانی سودرسانی به عده‌ای خاص (سپرده‌گذار) می‌کند و تولیدی که می‌تواند مبنای توسعه پایدار باشد، مغفول مانده و عوارض زیر برجامه مستولی می‌شود: ۱- عدم رغبت به سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی که موجب ایجاد ارزش افزوده و توسعه پایدار است.

می‌باید به‌زودی سراسر شبکه بانکی ما را زیر پوشش قرار دهد. به‌خاطر داشته باشیم که انجام این خدمات و نیل بدین پیشرفت‌ها با سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی سازگار و دمساز نمی‌تواند باشد، و ما هر قدر با این پیشرفت‌ها فاصله بگیریم، در آینده وضع دشوارتری خواهیم داشت و نسل‌های آینده عذر این قصور و تقصیر را نخواهند پذیرفت و به یک کلام و به عنوان حسن ختام، فراموش نکنیم که "فردا خیلی دیر است".

❖ / از جناب‌عالی به خاطر شرکت در این مصاحبه تشکر می‌کنیم.

شرع‌گرایی بانک‌های منفعت‌طلب!

اشاره

ماده هفت قانون عملیات بانکی بدون ربا به بانک‌ها اجازه داده است که برای ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش فعالیت بخش‌های مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی، قسمتی از سرمایه یا منابع موردنیاز این بخش‌ها را به صورت مشارکت تامین نمایند.

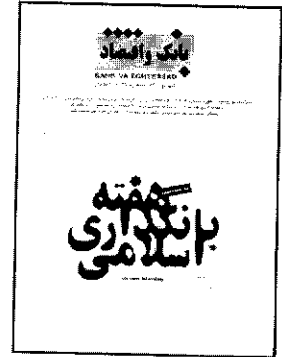
حال ببینیم که بانک‌ها در این مشارکت چه کرده‌اند و نظر دکتر هادی غنیمی‌فرد، رییس خانه صنعت و معدن به عنوان نماینده مدیران بخش صنعت درباره این عملکردها چیست؟

❖ / جناب غنیمی‌فرد، یکی از اهداف برنامه‌های توسعه، بازسازی صنایع کشور است. تاکنون همکاری نظام بانکی برای تحقق این هدف چگونه بوده است؟

□ بازسازی صنایع کشور مستلزم حضور عوامل مختلفی است که متأسفانه برنامه سوم تنها به بعضی از آنها اشاره کرده بود و در همان راستا هم هر موردی که توسط یکی از نهادها مورد بررسی قرار می‌گرفت، نهادی دیگر حرکت برخلاف آن را شروع می‌کرد و کار به جایی کشیده می‌شد که حرکت اجرایی کاملاً برعکس آن چیزی می‌شد که در دستور کار قرار گرفته بود. مثلاً یکی از قدم‌های خوبی که برداشته شد، مساله عدم درخواست وثیقه از صنعتگران از طرف بانک‌ها بود که به تصویب مجلس هم رسید و تمام مراحل قانونی آن هم به‌خوبی طی شد، ولی هنگام اجرا، بانک‌ها مدعی شدند که چون وجوه در اختیارشان از سپرده‌های مردم است، لذا شرعاً خود را ملزم می‌دانند که از درخواست‌کننده تسهیلات وثیقه بگیرند و زیر بار این مطلب نرفتند و اصلاً توجه نداشتند که در هیچیک از عقود اسلامی مورد عمل - نه عرفاً و نه شرعاً - شریک متعدّد به سپردن وثیقه و تضمین سود نمی‌باشد، اما بانک‌ها این شرع‌گرایی را برای تامین منافع خود اختراع کردند. به علاوه، با اختراع اوراق مشارکت، اول برای نرخ‌های بهره غیرعادلانه خود شریک جرم تراشیدند و با این مشتری پولدار که در واقع بیت‌المال بود، خود را از درخواست‌کننده تسهیلات بی‌نیاز

بخش تولیدکننده کشور که باید با رقبای قدر جهانی دست‌وپنجه نرم کند، در خانه خود توسط موسساتی که باید خدمتگزارش باشند، غارت می‌شود و از پای درمی‌آید!

بانک‌ها با اختراع اوراق مشارکت، اول برای نرخ‌های بهره غیرعادلانه خود شریک جرم تراشیدند و با این مشتری پولدار که در واقع بیت‌المال بود، خود را از درخواست‌کننده تسهیلات بی‌نیاز کردند و هر وقت هم که لازم شد، وجوه موجود در بانک‌ها به سوی خرید اوراق مشارکت رفت.



۲- جمع شدن سرمایه جامعه به عنوان سپرده در بانکها، با هدف عادت دادن جامعه به دریافت سودهای آسان، کلان و تضمین شده از پول خام و بالابردن انتظار صاحبان وجوه نقد در بهره گیری از پول خام که در مذهب ما "ربا" نامیده می شود.

۳- فرار کردن سرمایه ها از دسترس فعالان اقتصادی در بخش خصوصی و جمع شدن آنها در حساب های سپرده بانکها.

۴- با توجه به انحصاری بودن فعالیت های بانکی و پولی و با طرز فکر انتفاعی (برای بانک های دولتی) تقدینگی موجود از بازار جمع آوری می شود و درخواست کنندگان تسهیلات که با اشکال تراشی های بانکها مواجه می شوند، ناچار به بازار سیاه سرمایه مراجعه خواهند کرد.

۵- چون وجوه نقد موجود از بازار جمع آوری شده، لذا بازار سیاه شرایط ونرخ پول را باز هم بالاتر می برد.

۶- تمام تمهیدات و ابتکاراتی که برای تعدیل ثروت و عدالت اجتماعی به کار گرفته شده، ابرتر می ماند و آن کس که سرمایه اش را نقد نگهداشته، از سودهای هنگفت برخوردار می شود و آنها که دستشان خالیست، باید جواب طمع روزافزون صاحبان پول نقد را پرداخت کنند.

۷- با بالانگهداشتن نرخ سود بانکی و سخت بودن دریافت تسهیلات بانکی، عملاً توقع دارندگان سرمایه از بهره کشی پولشان همچنان بالا می رود و بر روی قیمت مایحتاج روزمره مردم منعکس می شود و تورم و گرانی ناهنجار را باعث می شود.

۸- به خاطر شرکت در این گفت و گو از شما سپاسگزاریم.

بانک باید بتواند همه را به یک چشم نگاه کند

آقای امامی، از مدیران اجرایی یکی از بانک های تجاری دولتی کشورمان است. محمداقبر امامی که برای ساماندهی طرح اصلاحات راهبردی بانکها از سازمان مدیریت و برنامه ریزی به این بانک آمده است، نظر کارشناسانه خود را نسبت به سیستم بانکی با شهادتی بالنسبه بیش از دیگر مسوولان نظام بانکی ابراز می دارد. روش مدیریتی دلسوزانه و سازنده او در مسیر اجرای وظایفش، یکی از شاخص ترین خصوصیات شغلی وی به حساب می آید. اولین باری نیست که ایشان به دعوت ما برای تهیه گزارشی راجع به عملکرد سیستم بانکی پاسخ مثبت داده و وقت خود را در اختیار ما قرار می دهد. اما به هر حال جو حاکم بر این مصاحبه هم مثل تمامی مصاحبه های ما متأثر از موقعیتها و حساسیت های شغلی افراد است. اما همانطور که قبلاً نیز گفته شد، یکی از محاسن تهیه گزارش هایی از این دست آن است که قضاوت را خواننده به عهده می گیرد نه ما!

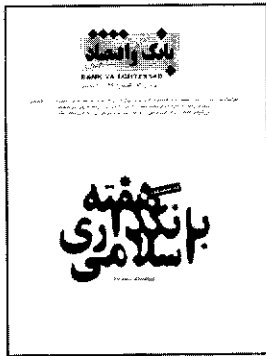
امامی در این گزارش به سوالات ما در رابطه با روند اجرایی

حاکم بر بانکها پاسخ می دهد. با تشکر از ایشان.

۹- آقای امامی، خواهشمند است ارزیابی کلی خودتان را نسبت به میزان انطباق ساختار فعلی سیستم بانکی با نظریه پردازی های مشهور به "بانکداری اسلامی" بیان بفرمایید و توضیح دهید که آیا آنچه در این بیست سال در ایران پیاده و اجرا شده است، همان چیزی است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا آمده است، یا با آن تفاوت دارد؟ توضیح اینکه، عده زیادی از نظریه پردازان و مدافعان قانون مزبور نارسایی های فعلی را به عدم توانایی مدیریت سیستم بانکی در درک و پیاده کردن کامل قانون نسبت می دهند و معتقدند که اگر مدیران و مجریان سیستم بانکی روح معنوی و اخلاقی حاکم بر قانون عملیات بانکی بدون ربا را درک می کردند، می توانستند همان ویژگی ها را در عمل هم پیاده کنند و یک الگوی موفق از بانکداری بدون ربا یا بانکداری اسلامی را آرایه نمایند. بنابراین، معتقدند که مسوولیت این نارسایی ها و ناکارآمدی ها به عهده مدیریت اجرایی است و نه نظریه پردازان تئوری های اقتصاد و بانکداری اسلامی. شما که در حوزه اجراییات بانکی مشغول هستید، نظرتان درباره اینگونه استدلالها چیست؟

□ از منظر من، بانکداری فعلی مجموع ضوابط و قوانینی است که به عنوان ضابطه حکومتی باید ارزیابی شود. بدیهی است که چون حکومت بر موازین ارزشی اسلامی استوار است، لذا علمای اسلامی نظریه پرداز راه و رسم عمومی حکومت و از جمله راه و رسم اداره بخش بانک (بازار پول و اعتبار) نیز می باشند. بر این اساس، این متخصصان و علمای فقه شیعه هستند که باید این ضوابط را با اصول و مبانی آن بسنجند و نظارت کنند که اگر خدشهای وجود دارد، آن را اصلاح کنند، یا برعکس، با توجه به شرایط زمان و موقعیت در این وانفسای عصر ارتباطات و تکنولوژی، اقتضای ملی را لحاظ کنند و براساس آن، توصیه های لازم را آرایه نمایند. آنگاه پس از این مرحله، باید مسوولان بانکها و بانک مرکزی، وارد عمل شوند و مبادرت به اجرایی کردن این دستورات بنمایند. در غیر اینصورت، چنانچه شما بخواهید گردش امور سیستم بانکی را بررسی کنید و احیاناً ایرادی را بر آن وارد کنید و بگویید "آی مسوول و متخصص علوم بانکی، بیا و این قوانین را هم وضع و هم اجرا کن!" حتماً از انصاف به دور است، یعنی اصلاً در حیطة وظیفه این شخص نمی گنجد. این شخص یک بوروکرات است، یک فرد اداری است و اصولاً وضع قوانین در حیطة وظایف وی نیست، به ویژه در شرایطی که بانکداری خصوصی نیز وارد شده است، چون بانکداران خصوصی در چارچوب قوانینی که بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و دارایی و قوانین جاری کشور وضع می نمایند،

درآمد بانکها از محل فاصله نرخ سودهای دریافتی و پرداختی آنها نیست، بلکه از محل حق الزحمه خدماتی است که آرایه می دهند.



در نظر بگیرند تا از این طریق مبادا که مبنای قانون به فراموشی سپرده شود.

❏ / ولی سوائی که در شرایط فعلی مطرح است، میزان فاصله بین سود بانکی قابل پرداخت به سپرده‌گذاران و بهره بانکی است که به دریافت‌کنندگان تسهیلات در بانک‌های دولتی تعلق می‌گیرد. صحبت بر سر این است که این فاصله از میزان متعارف بسیار بیشتر است. نظر شما در این مورد چیست؟

□ برای محاسبه این میزان، باید قیمت تمام‌شده پول برای سپرده‌ها و همچنین قیمت تمام‌شده پول برای دریافت‌کنندگان تسهیلات را محاسبه کرد و سپس مابه‌التفاوت آن را به دست آورد. این میزان همان فاصله‌ایست که شما می‌گویید. در این محاسبه ما به عنوان وکیل مردم در مورد همان سپرده‌ها می‌باشیم. مثلاً برای سپرده‌های دیداری شرایط ما طور است که در هر آن باید پول مردم را به آنان مسترد نماییم. بنابراین، برای ادعای چنین میزان فاصله‌ای شما باید محاسبه کنید و ببینید که آیا وانماً چنین فاصله‌ای وجود دارد؟ البته من می‌گویم که خیر، چنین فاصله‌ای اصلاً وجود ندارد.

❏ / خود شما برای آن چه میزانی را در نظر می‌گیرید؟
□ باید ببینیم که در حال حاضر چه ارقامی برای هر بانکی وجود دارد. پاسخ این سوال نزد بخش‌های مالی بانک‌ها و یا گزارش‌هایی است که انتشار پیدا می‌کند.

❏ / در مورد بانک خودتان هم این رقم را نمی‌دانید؟
□ متأسفانه، من اجازه ندارم که این مورد را خیلی باز کنم. چون اولاً، نیازمند ارقام است و در ثانی، نیازمند نحوه محاسبه این ارقام است، زیرا شما نمی‌توانید سپرده‌های دیداری را در این محاسبه اعمال کنید. شما در جارتان همیشه پول دارید و این وظیفه ماست که این جاری را همیشه آماده در حساب شما نگاهداری نماییم. آیا من پس از تبدلات مالی شما، مانده آن را نیز باید محاسبه نمایم؟ می‌بینید که چنین چیزی امکانپذیر نیست. ما حساب جاری را اداره می‌کنیم تا بتوانیم به پول مردم خدمات ارائه کنیم.

❏ / البته مجدداً باید خاطر نشان کنم که این مقوله ادعای من نیست، صحبت همان صاحب‌نظران علوم اقتصادی و بانکی است که می‌گویند در ایران، فاصله بین نرخ سود سپرده‌گذاران و بهره‌ای که به تسهیلات‌گیرندگان تعلق می‌گیرد، از میزان عرف در دنیا بیشتر است.

□ به نظر من، برای این که شما بتوانید این مقوله را به یک ساحل نجات برسانید، بهتر است که تفاوت نرخ‌های بین بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی را مورد توجه قرار دهید. بانک مرکزی باید در اندیشه این تدبیر باشد که این دو نرخ را که تفاوت فاحشی با یکدیگر دارند، به یکدیگر نزدیک نماید. اگر

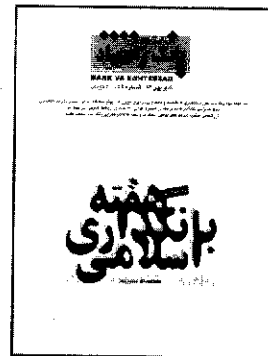
فعالیت می‌کنند و نظارت عالی بر اعمال و فعالیت ایشان هم به عهده سازمان‌های مذکور است و همه چیزشان زیر ذره‌بین آنها می‌باشد. بنابراین، از دیدگاه من، این حرکت باید از سوی فقها و متخصصان علوم فقه انجام شود و آنها هستند که باید بیایند و اعلام کنند که چه چیزی درست و صحیح است و چه چیزی ناصواب و نادرست است. در غیراینصورت، ما چطور می‌توانیم قوانینی را خارج از آنچه به ما ابلاغ می‌شود، وضع و اجرا نماییم. به عنوان مثال، یکی از موسسات اعتباری با همین ضوابط موجود و حاکم در حال کار است، حتی می‌توان گفت که با نرخ‌های بیشتر، چطور کسانی که بر بانک‌های دولتی خرده می‌گیرند، بر موسسات اعتباری موجود که آنها هم با نرخ سود بالا قانونمند شده‌اند، توجهی نمی‌کنند؟ بنابراین، به نظر من، چنانچه در عملکرد ما به عنوان یک بانک دولتی نقیصه‌ای احساس می‌شود، قانونگذاران باید آن را به ما بگویند که کجای کار باید اصلاح شود.



▶ امامی: شما انتظار نداشته باشید که در مملکتی با نرخ تورم ۱۵ درصد، نرخ سود سپرده مردم از آن هم کمتر باشد.

بانک‌ها در مقام وکیل مردم، منابع آنان را دریافت می‌کنند و آن را به کار می‌گیرند. لازم است توضیح دهم که به‌خصوص بانک‌های دولتی در بعضی از موارد به شدت تحت فشار قرار دارند. مثلاً بانک‌های خصوصی، در شرایطی که وجهی را به عنوان مضاربه به شخصی واگذار می‌نمایند، تا آن شخص با آن پول مبادرت به انجام کاری نماید، چنانچه در کار خود شکست بخورند، شاید بتوانند در مورد وی گذشت نمایند. البته آنها نیز باید پاسخگویی مجمع خود باشند، اما این شرایط در بانک‌های دولتی بسیار سخت‌تر می‌نماید، زیرا شرایط در بانکداری دولتی به مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تر است. بنابراین، ما با مشکل و احتیاط بیشتری می‌توانیم به کسی تسهیلات اعطا نماییم. اینها همان چیزهایی است که باید لحاظ شود و مورد بررسی قرار گیرد تا چنانچه نقیصه‌ای در آن دیده می‌شود، مبادرت به رفع آن گردد. به نظر من، چون بانک‌های دولتی براساس ضوابط کار می‌کنند، لذا نظام اجرایی - اداری که همان بانک مرکزی است، باید اعلام نماید که در بانک‌ها در چه بخش‌هایی باید تغییر رویه داده شود. البته بدیهی است که خود مدیران بانک‌ها هم باید به روح خود آن قانون توجه نمایند و مطابق روح آن قانون عمل کنند. اما این بر کسانی است که بر ما نظارت می‌کنند، آنها باید بیایند و ببینند که قانون در کجا درست اجرا می‌شود و در کجا اجرا نمی‌شود. متقابلاً مدیران اجرایی هم باید روح قانون را

■ ■ ■
در مورد وصول وجه قبوض آب و برق و تلفن حق الزحمه‌ای که بانک‌ها از سازمان‌های مربوطه می‌گیرند، چیزی در حدود ۲۰ ریال است، در حالی که وصول هر قبض حدود ۱۰۰۰ ریال برای بانک‌ها هزینه دارد!



ضمن اینکه هرآنچه ما به دست می‌آوریم، بخشی از آن را به عنوان سود قطعی به مردم می‌دهیم، چون ما وکیل مردم هستیم. / اما به نظر می‌رسد که این وکیل، حق الوکاله گزافی دارد!

□ شما برای اثبات این موضوع می‌توانید به ترازنامه‌های این چند سال اخیر مراجعه نمایید تا ببینید که این حق الوکاله زیاد بوده است یا خیر. اما من به شما می‌گویم که اصلاً زیاد نبوده (البته حق الوکاله‌ای که برایش مانده) حتا گاهی شایبه منفی شدن این نرخ نیز وجود داشته است، یعنی گاهی بانک از حق الوکاله خود نیز صرف‌نظر نموده است.

البته باید به این نکته اشاره کنم که ما به عنوان یک بانکدار دولتی نمی‌توانیم بعضی از هزینه‌های خود را به صورت اختیاری کم کنیم. به عنوان مثال، ما نمی‌توانیم از نیروهای خود چیزی را بکاهیم. به عبارت دیگر، ما نمی‌توانیم به میل خود از وضع موجود بیرون بیاییم. روی همین اصل، هزینه بیشتری هم برای ما رقم می‌خورد.

اگر بانک‌های دولتی به سمت خصوصی شدن حرکت کنند و از اشکال و ضوابط دولتی خارج شوند (ولو اینکه بخشی از آنها همچنان در دست دولت بمانند)، آنگاه می‌توانند به جای هزینه‌ها، نیروی خود را در بالاترین درجه نگاهداری نمایند و پرسنل آنها نیز دیگر همانند کارمندان دوایر دولتی نخواهند بود، بلکه عملاً و به درستی کارمند بانک محسوب می‌شوند، یعنی کارمندی که بسیار خوب کار می‌کند و بهتر از آن، به نگاه ذریب خود سود می‌رساند و مزد خوبی نیز می‌گیرد. در نتیجه، هزینه بانک تنزل می‌یابد و فاصله سودی که می‌ماند، قابل توجه است و مبلغی هم که می‌تواند به سپرده‌گذاران خود بدهد، افزایش خواهد یافت. البته نرخ‌های که توسط نظام اداری - اجرایی کشور تعیین می‌شود، حدود سه سال است که مرتباً در حال کم شدن است و تا حدودی نیز پایین آمده است.

□ / یعنی خود شما تایید می‌کنید که این نرخ باید کم شود؟

□ بله، کاملاً، این نرخ باید کم شود، ولی این را هم اضافه می‌کنم که این اولین مساله ما نیست. ما سه موضوع مهم داریم که عبارتند از: اول اینکه، به ما تقسیمات بخشی می‌دهند که بایستی ملغی شود؛ دیگر اینکه، به ما نرخ بخشی می‌دهند، این را هم باید ملغی نمایند؛ سوم اینکه، به بانک‌های خصوصی اجازه نرخ بالا می‌دهند که این نیز باید ملغی شود، به طوری که تقریباً همه با هم کار کنند. آنوقت می‌شود بازار پول و اعتبار را در آن قسمت که رسمی و متشکل ترست، سامان بیشتری داد. بنابراین، کاهش نرخ سود اولین مساله ما نیست، بلکه حذف نرخ‌های بخشی در مرحله اول قرار دارد. بدیهی است که در بعضی از بخش‌ها که دولت می‌خواهد تسهیلات ارزان بگیرد،

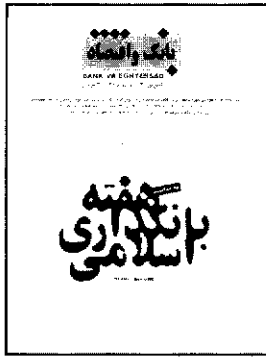
شما فکر می‌کنید که این فاصله در بانک‌های دولتی زیاد است، بهتر است که نرخ بهره اعطای تسهیلات در بانک‌های خصوصی را لحاظ کنید، چون آنها از بابت اعطای تسهیلات سود بالاتری را دریافت می‌کنند. شما باید ببینید که چطور بانک مرکزی این مجوز را به آنان داده تا این فاصله را ایجاد کنند و با این کار به وجود این فاصله کمک نموده است؟ به نظر من، چنانچه این سوال را مطرح کنید، به مراتب بهتر خواهد بود، تا سوال قبلی خود را، یعنی این که چرا بین بانکداری خصوصی و بانکداری دولتی تفاوت وجود دارد؟ تفاوت‌هایی در ارقام نرخ، یعنی این که ارقام نرخ آنان بسیار بالاست. آنها به تقسیمات بخشی موظف نیستند، ولی ما موظفیم. و همین باعث می‌شود که طیفی از نرخ‌های مختلف ایجاد شود. مضاف بر آن، بخش موسسات اعتباری نیز در کنار این مقوله قرار می‌گیرد. صندوق‌های قرض‌الحسنه هم که معمولاً در حوزه عملیاتی و در چارچوب خود کار نمی‌کنند و عملاً عملیات بانکی انجام می‌دهند و نرخ تسهیلاتشان نیز بسیار بسیار بالاست. و در نهایت بخش غیرمتشکل پولی است که به این دایره اضافه شده و نتیجه این می‌شود که نرخ اعتبار در بازار از طیف بسیار گسترده‌ای برخوردار است. از یک نرخ بسیار ارزان تا نرخ‌های بسیار گران. همین‌ها باعث می‌شود که بگوییم مهمترین مساله ما در حال حاضر کم کردن فاصله و تفاوت نرخ سود در جاهای مختلف است. اگر بتوانیم این فاصله را کم کنیم، خودبه‌خود فاصله‌ای که در مدنظر شماست نیز کم خواهد شد.

لازم است به این نکته هم اشاره کنم که سود بانک‌ها، از محل این فاصله نرخ نیست، بلکه از محل فعالیت‌های خدماتی است که ارایه می‌دهند. فعالیت‌های خدماتی هم مشمول آن فاصله نیستند، یعنی ما خدمتی را به مشتری ارایه می‌دهیم و در قبال آن پول دریافت می‌کنیم.

□ / به نظر شما، کارمزدی که در قبال خدمات از مشتریان گرفته می‌شود، نرخ مناسبی دارد؟

□ کارمزد بعضی از امور برای ماتصویبی است، مانند قبوض آب و برق و تلفن که بسیار هم ارزان است، به طوری که نرخ‌های که از مشتری گرفته می‌شود، چیزی در حدود ۲۰ ریال است، درحالی‌که هر قبض حدود ۱۰۰۰ ریال برای ما هزینه دارد. گویی بانک‌ها بخشی از درآمدهای خود را مانند سوسید به جامعه و شرکت‌های آب و برق و گاز ... می‌دهند تا آنها قبوضشان را از طریق بانک‌ها پرداخت نمایند و خود اینهم یکی از مسایلی است که می‌توان بدان اشاره نمود، یعنی این که در این زمینه ما می‌توانیم بگوییم که بانک‌ها باید اجازه پیدا کنند تا مزد واقعی خدمات خود را دریافت نمایند تا بعد بتوانند آن روح معنوی را هم حاکم کنند. در نهایت این که هر چه فاصله بین سود دریافتی و سود پرداختی بانک‌ها کمتر شود، به نفع کل اقتصاد ملی نیز خواهد بود.

اگر بانک‌های دولتی به سمت خصوصی شدن حرکت کنند، آنگاه پرسنل آنها نیز دیگر همانند کارمندان دوایر دولتی نخواهند بود.



هم بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند. البته بانک‌های دولتی نیز همین کار را انجام می‌دهند. منتها بانک‌های غیردولتی در نرخ‌های بالا انجام می‌دهند و بانک‌های دولتی در نرخ‌های پایین. چطور کسی که از بانک‌های خصوصی تسهیلات بگیرد، راضی است، اما اگر از بانک‌های دولتی بگیرد، ناراضی است؟

■ / همانطور که اشاره شد، شاید علت آن برمی‌گردد به زمان پرداخت، زیرا در بیشتر بانک‌های دولتی شما مدت‌ها باید سابقه حساب در شعبه ذریبط داشته باشید تا به شما وامی تعلق بگیرد، در حالی که برای دریافت تسهیلات از یک بانک خصوصی، نیازی به اینهمه سابقه حساب فعال ندارید. و همانطور که می‌دانید، یک تاجر، یک تولیدکننده و یک صنعتگر - و حتی کسی که صاحبخانه‌اش در حال اخراج اوست و می‌خواهد کار خودش را یکسره کند - در شرایطی است که برایش اعطای وام یک امر فوری و حیاتی است.

□ باز هم همان بحث خصوصی و دولتی بودن بانک‌ها مطرح می‌شود.

■ / اکنون سوال دیگری دارم: زمانی که مثلاً من به عنوان یک سپرده‌گذار به بانک شما مراجعه می‌کنم، شما در حساب‌های بلندمدت حدود ۱۷ درصد به من سود بانکی می‌دهید و وقتی که می‌خواهم وامی از شما بگیرم، نرخ آن چقدر خواهد بود؟

□ نرخ‌های ما برای اعطای تسهیلات از سوی شورای پول و اعتبار تعیین و ابلاغ می‌شود. نرخ‌های حداقلی هم که ما می‌توانیم برای سپرده‌های مردم بدهیم، ضوابطی دارد که از طریق نظام اجرایی - اداری مانند شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی و یا دولت به ما ابلاغ می‌شود و بانک‌های دولتی هم در همین قالب عمل می‌کنند.

بانک‌های خصوصی هم باز یک حد کف و سقفی دارند، منتها آنها هم نرخ سپرده‌هایشان گرانتر است و هم نرخ تسهیلاتشان. ولی ما هم نرخ سپرده‌ها مان ارزانتر است و هم نرخ تسهیلاتمان. آنها هم بین این دو نرخ یک فاصله‌ای دارند که بدان می‌گویند حق‌الوکاله بانک و ما هم همین معیار را داریم با همین اسم، و هر دو موظفیم که اگر سودی در نهایت بماند، آن را بین سپرده‌گذاران تقسیم کنیم. توجه داشته باشید که در ایران نرخ‌های تسهیلات و سپرده‌ها را بازار عرضه و تقاضا تعیین نمی‌کند، در حالی که در دنیا بازار عرضه و تقاضا نرخ‌ها را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، تعدادی بانک فعالیت می‌کنند و به یک نرخ تعادلی می‌رسند و آن نرخ در اقتصاد کمی تغییر می‌کند یا نمی‌کند، و فاصله بین این دو نرخ هم لاغر می‌شود.

از سوی دیگر، نرخ سپرده مردم به خودی خود، تابعی از نرخ تورم کشور نیز می‌باشد. شما انتظار نداشته باشید که در مملکتی

باید سوبسیدی را منظور کند و آنها هم از آن سوبسید استفاده نمایند، ولی بانک بایستی بتواند همه را با یک چشم نگاه کند. آنوقت است که بخشی از مشکلات ثانوی بانک‌ها حل خواهد شد.

■ / اما حتماً می‌پذیرید که در حال حاضر، نه سپرده‌گذاران چندان راضی‌اند و نه کسانی که تسهیلات دریافت می‌نمایند - چه کسانی که در بخش صنعت فعالیت می‌کنند، چه کسانی که به عنوان مختلف درگیر مسایل مسکن یا کشاورزی و... هستند.

□ من به شما اطمینان می‌دهم که تمام کسانی که در حال حاضر در صف دریافت تسهیلات ایستاده‌اند، همه قادر به دریافت نخواهند بود، زیرا در حال حاضر، برای این مقوله در جلوی باجه صف وجود دارد و وقتی که صف وجود دارد، به منزله آن است که رانتهی در آن نهفته است. پس تسهیلات‌بگیران ناراضی نیستند، چون نرخ بانک‌های دولتی بسیار پایین است، پایین‌تر از نرخ بانک‌های خصوصی و نیز پایین‌تر از بازار آزاد. بنابر این، اگر شما تصمیم بگیرید که خانه‌ای بسازید، مطمئناً هرچه از جای دیگری می‌گیرید، گرانتر از آنیست که بانک دولتی به شما می‌دهد، یعنی یک بانک خصوصی، اکنون به شما وام می‌دهد با ۲۷ درصد سود. چطور ممکن است که ۲۷ درصد سود آن بانک خصوصی زیاد نیست، ولی ۱۹ درصد بانک دولتی زیاد است؟

■ / البته شرایط را هم باید در نظر گرفت. در بانک‌های خصوصی شما برای گرفتن همان وام ۲۷ درصدی، حداقل معطلی ندارید و بدون سپرده‌گذاری می‌توانید آن را دریافت نمایید، ضمن اینکه سرعت اعطای آن نیز در مقایسه با بانک‌های دولتی قابل مقایسه نیست.

□ خوب، این موضوع سرعت، همان بحث خصوصی بودن و دولتی بودن است.

■ / که...؟

□ که آنها سرعت بیشتری دارند.

■ / یعنی چه؟ آیا سرمایه آنها از بانک‌های دولتی بیشتر است؟ چون همانطور که می‌دانید، ۵۰ میلیون تومان پولی نیست که یک بانک خصوصی بتواند به چندین نفر پرداخت کند.

□ آخر از سرمایه خودش که نمی‌دهد، از پول مردم می‌گیرد و به مردم دیگر به عنوان تسهیلات پرداخت می‌کند و خودش هم به عنوان وکیل سپرده‌گذار بر این موضوع وکالت می‌نماید. منتها به سپرده‌گذاران نرخ ۲۰ تا ۲۲ درصد را پیشنهاد می‌کند و به کسانی هم که گیرنده تسهیلات هستند، نرخ‌های ۲۵ تا ۲۷ درصد را پیشنهاد می‌کند و از تفاوت آن‌ها یک چیزی را به عنوان حق‌الوکاله برداشت می‌کند و در نهایت هم اگر چیزی بماند، آن را

چطور است که ۲۷ درصد نرخ سود دریافتی بانک‌های خصوصی زیاد نیست، ولی ۱۹ درصد بانک دولتی زیاد است؟

هیچگونه ارتباطی نمی‌گیرد و با او بیگانه است. اما در بانک خصوصی، کارمند موظف است که چون "حق با مشتری می‌باشد" لذا قلباً به وی احترام بگذارد.

شما بفرمایید که مدیران عامل بانک‌ها و مسوولان دولتی بانک‌ها در مورد کسانی که به این شیوه احترام نمی‌گذارند، چه خواهند کرد، چون بیرون کردن آنها از سیستم مشکلاتی دارد، چون بلافاصله به دادگاه مراجعه و حکم دریافت می‌کنند. وقتی که شما مدیر یا مسوول یک چنین بانکی هستید، چگونه می‌خواهید آن اهدافی را که در مد نظرتان است در چنین سیستمی اعمال کنید. این خود مهمترین علت برای این موضوع است.

از دیگر موارد، تحمیل تسهیلات تکلیفی است. اگر قرار است که بانک‌ها مجری دستورات دولت تلقی شوند، دیگر بانک نخواهند بود.

به هر حال، یک کارمند دولت هم می‌تواند تابع و مشمول مقررات انضباطی باشد.

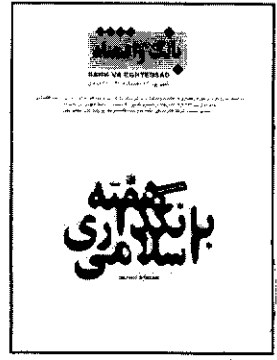
البته ما این کار را کرده‌ایم. الان براساس "طرح تکریم" کارکنان بانک را موظف کرده‌ایم به الصاق کارت بر روی سینه و گذاشتن اسم روی میز. مشروح طرح تکریم را هم در محل کارشان نصب نموده‌ایم. صندوق آگاهی از نظریات مشتریان و صندوق صوتی مدیران را تعبیه کرده‌ایم. بازرسان مخصوص طرح تکریم مشتریان هم مرتباً به شعب سر می‌زنند. همه اینها برای این است که کارکنان بانک‌ها را به تکریم و پاسخگویی به مشتری ترغیب نماییم، اما خوب، اگر بخشی از آن را هم موفق نشویم، به علت این است که ماهیت هم بر روی آن اثر دارد.

ضمن تشکر از جنابعالی، برایتان آرزوی توفیق بیشتر داریم.

با نرخ تورم ۱۵ درصد، نرخ سود سپرده مردم از آن کمتر باشد، خیر. در مورد نرخ تسهیلات هم همینطور، نرخ تورم است که بر روی میزان بهره تسهیلات تاثیر می‌گذارد.

سوال بعدی، درباره همین سیستمی است که فعلاً پیاده و اجرا شده است، صرفنظر از این که با الگوی قانونی مطابقت دارد یا ندارد. به عبارت دیگر، سیستم بانکی فعلی هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ کارکرد، با نارسایی‌های فراوان و جدی دست‌به‌گریبان است و نتوانسته است رضایت مشتریان - اعم از دولت یا مردم، و اعم از سپرده‌گذار و دریافت‌کننده تسهیلات - را فراهم نماید. موارد انتقاد هم بی‌نهایت است: از بالا بودن حاشیه سود سهم سیستم بانکی و تحمیل هزینه‌های اضافی به مشتریان گرفته تا نحوه برخورد کارمند باجه با ارباب رجوع. بنابراین، بفرمایید که ارزیابی کلی شما راجع به پدیده بانکداری فعلی چیست و ناکارآمدی آن را چگونه توجیه می‌کنید؟

مهمترین علت را باید در این جستجو کنید که در واقع بانکداری ماهیتاً یک کار غیردولتی است. وقتی هم کاری در جای طبیعی خود قرار نگیرد، بدیهی است که راندمان لازم را نخواهد داشت، یعنی اگر شما مالک یک بانک باشید، از همان ابتدا به کارمندانان می‌گویید "حق با مشتری است". و این شعار را به هر شکل ممکن به آنها تحمیل می‌کنید و آنها را وادار می‌کنید تا بدان عمل کنند. اما زمانی که بانک هم دولتی و هم بزرگ بشود، این امر باعث می‌شود که کارمند بانک خود را کارمند دولت ببیند و بعد از مدتی کار، سر ساعت می‌آید و سر ساعت می‌رود، وظایفش را هم انجام می‌دهد و با ارباب رجوع هم



بانک و اقتصاد

ماهنامه بانکی - اقتصادی

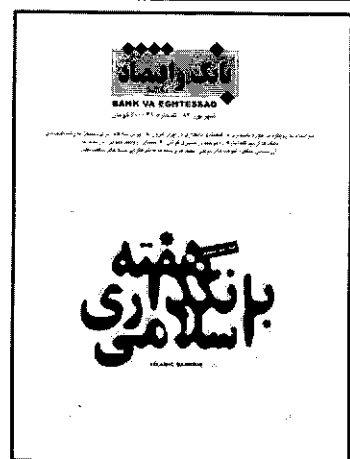
خواننده ارجمند

مجله بانک و اقتصاد برای شما تهیه می‌شود و از آن شما است.

بنابراین:

(۱) مطالب خودتان را برای درج در نشریه ارسال فرمایید.

(۲) ما را از پیشنهادهای و نظریات خود بهره‌مند کنید.



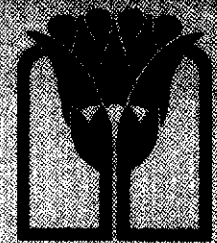
نشانی: تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸-۱۴۱۵۵ / تلفن: ۸۹۶۵۱۳۵ و ۸۹۵۱۳۲۹ / نمابر: ۸۹۵۱۳۲۹



بانک سامان



هفته بانکداری و
دومین سالگرد
افتتاح
راکرامی می‌داریم



بانک پارسیان

بانک پارسیان

همزمان با افزایش نرخ سود سپرده‌ها

نرخ سود انواع تسهیلات اعطایی در بانک پارسیان کاهش یافت



سال ۱۳۸۳ (از اول مردادماه سال جاری)	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۸۱	مرکز تحقیقات
۲۲٪	۲۴٪	۲۸٪	بخش تولیدی
۲۵٪	۲۷٪	۳۰٪	بخش بازرگانی
۲۶٪	۲۷٪	۳۰٪	بخش ساختمان و مسکن
۲۶٪	۲۷٪	۳۰٪	بخش خدمات

Maibz Parsianbank Co. 83190877



بار دیگر

بالاترین نرخ سود انواع سپرده‌ها

سال ۱۳۸۳

(از تاریخ اول مرداد ماه سالجاری)

سال ۱۳۸۲

سال ۱۳۸۱

قطعی	حساب	قطعی	حساب	قطعی	حساب	
☺	%۱۳	%۱۵	%۱۲	%۱۴	%۱۰	کوتاه مدت
☺	%۱۵	%۱۷	%۱۴	%۱۶	%۱۲	شش ماهه
☺	%۱۸	%۲۰	%۱۷	%۲۰	%۱۷	یکساله
☺	%۱۹	%۲۰/۵	%۱۸	%۲۰/۵	%۱۸	دوساله
☺	%۱۹/۵	%۲۱	%۱۸/۵	%۲۱	%۱۸/۵	سه ساله
☺	%۲۰/۵	%۲۲	%۱۹/۵	%۲۲	%۱۹/۵	چهارساله
☺	%۲۱/۵	%۲۳	%۲۰/۵	%۲۳	%۲۰/۵	پنج ساله

ارزش سرمایه و اندوخته خود را با سپرده‌گذاری
نزد شعب بانک پارسیان افزایش دهید.



جدیدترین خدمت بانکی

بانک توسعه صادرات ایران



- ۱- امکان خرید از فروشگاهها و دیگر مراکز خرید
- ۲- پرداخت هزینه در هتل ها ، دفاتر خدمات مسافرتی و ...
- ۳- تقاضای صدور دسته چک و چک رمزدار بین بانکی
- ۴- انتقال وجوه بین حسابهای مشتری
- ۵- ارائه انواع اطلاعات حساب مشتری
- ۶- خرید و فروش سهام بورس تهران
- ۷- امکان پرداخت قبوض خدمات شهری (آب ، برق ، گاز ، تلفن و ...)

و ...

Export Development Bank of Iran

یک بانک در تلفن همراه شما

باید بتوانیم فرصت‌ها را از دست ندهیم

برای این که نظر مجلسی‌ها را در مورد بانک‌ها بدانیم و از برنامه‌های آینده آنها برای سیستم بانکی باخبر شویم، به مجلس شورای اسلامی رفتیم و با مهندس ایرج ندیمی، نماینده مردم لاهیجان و عضو کمیسیون اقتصادی مصاحبه‌ای سرباپی انجام دادیم.

آقای ندیمی، خواهشمند است بفرمایید طرح‌ها و لوایح مربوط به سیستم بانکی که در دوره مجلس قبل در لیست بررسی‌های مجلس قرار داشت، مانند طرح تحقیق و تفحص، تفکیک بازار پول و سرمایه، خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه و... در حال حاضر، به چه نتیجه‌ای رسیده است؟ و آیا به‌طور کلی، دوره جدید مجلس در رابطه با این موارد تصمیم و برنامه خاصی دارد یا خیر؟

در مورد تحقیق و تفحص که خود من نیز عضو هیات آن بودم، ما گزارشی را تهیه و آن را به صحن مجلس نیز تقدیم کردیم. در مورد بازارهای غیرمتشکل پولی، از جمله صندوق‌های قرض‌الحسنه هم لایحه‌ای را در دست بررسی داریم که مربوط به ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌باشد. این لایحه شامل دفاع از صندوق‌هایی است که طبق اساسنامه عمل نموده‌اند و مخالفت با صندوق‌هایی که از حد اساسنامه گذشته‌اند و در امور سرمایه‌گذاری‌ها و خلق پول مداخله کرده‌اند. و بالاخره بررسی امکان ایجاد بانکی برای این صندوق‌ها است به جهت تسهیل در نظارت بانک مرکزی.



► مهندس ندیمی: یکی از خلاهای فعلی، فقدان بانک‌های خارجی در ایران است.

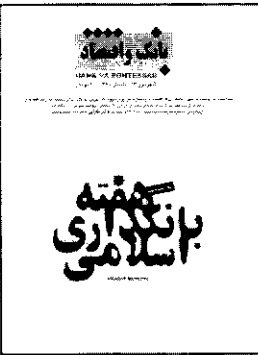
حتا بانک‌های خارجی داشته باشیم، بنابراین، با بازنگری مجمع تشخیص مصلحت، این احتمال وجود دارد که مجلس اواخرهای نظارتی خود در جهت تحقیق و تفحص نیز استفاده نماید. اما در حال حاضر، هیچ برنامه جدیدی در این راستا به نظر نمی‌رسد.

همانطور که می‌دانید، در حال حاضر، اختلاف‌نظرهایی در مورد نحوه اداره بانک‌های کشور وجود دارد و نظرهای متفاوتی ابراز می‌شود. مجلس در این مورد چه نظری دارد و چه اقدامی را در دست اجرا دارد؟

ببینید، ما قبلاً طرحی به نام طرح اداره بانک‌ها و شعب در مجلس داشتیم و آن را در کمیسیون اقتصاد نیز بررسی کردیم. اما در مرحله طرح در مجلس رای لازم را به‌دست نیاورد. آنچه اکنون مطرح می‌باشد، این است که در مورد مجامع بانک‌ها به خودی خود چندین نظریه وجود دارد: یکی اینکه، عده‌ای بر این عقیده‌اند که مجامع بانک‌ها باید به صورت تخصصی باشد. این اختصاصی بودن خود محلی برای بحث دارد. به عنوان مثال، بعضی می‌گویند که چون بانک صنعت و معدن، در حیطه صنعت فعالیت می‌کند، لذا باید زیر نظر وزارت صنایع و معادن اداره شود. یا بانک تجارت باید زیر نظر وزارت بازرگانی باشد. از سوی دیگر، این نظریه وجود دارد که بانک‌ها باید زیر نظر وزارت اقتصاد و دارایی اداره شوند، چون در نهایت نیز پاسخگو هم او خواهد بود، زیرا به عنوان مثال، هرگز در مورد نحوه عملکرد بانک تجارت از وزیر بازرگانی سوال نمی‌شود، چون این وزارتخانه در محدوده تجارت و بازرگانی تعریف می‌شود، نه بانکداری. بنابراین، از این جهت محل اعتنا می‌باشد. اما از این جهت که بانک‌ها چگونه تقسیم، توزیع، مدیریت و ساماندهی شوند نیز جای بحث وجود دارد.

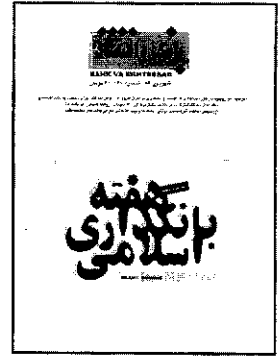
اینک ما نیازمند ارایه لایحه یا طرحی هستیم که بتوان طبق آن به صورت فراگیر، مباحث مربوط به اداره بانک‌ها، مکانیزاسیون بانک‌ها، مشتری‌مداری بانک‌ها، تعامل بین‌بانکی، بانک‌های داخلی و خارجی، امکان ایجاد شعب بانک‌های خارجی در ایران، به‌مانند شعب بانک‌های ایران در خارج، و یا در رابطه با گرایش دادن به نسبت‌های مختلف سرمایه‌گذاری بانک‌ها در جهت ساختمان، مسکن و... را مطرح و روشن کرد. بدیهی است که همه این موارد جای بحث دارد. البته ما بخشی از این موارد را در دوره گذشته در شورای پول و اعتبار پیگیری کرده‌ایم و سعی می‌کنیم که بخشی از آن را نیز در قالب تذکرات و پیشنهادهای با ارایه طرح‌هایی در مجلس فعلی بررسی نماییم.

کمیته سیاست‌های تجاری که بنده مسوولیت آن را به عهده دارم، برای همین بحث نشستنی را با بانک‌های کشور پیش‌بینی نموده است و دو بانکی که به آنها مراجعه خواهیم کرد، بانک ملی



مهندس ندیمی: مجلس جدید سناریوی خاصی را برای بانک‌ها تعریف نکرده است.

برای جمهوری اسلامی بسیار ناخوشایند است که بر روی سیستم بانکی خود نام بانکداری اسلامی بنهیم، اما بدان عمل نکنیم.



نمی‌شود که ۴۰ هزار تن آن به صورت قاچاق وارد مملکت می‌شود. پس تنها به ۱۰ هزار تن آن نیاز داریم. در مورد فوق هم کسی نمی‌گوید که مردم میلیاردها تومان پول را به صورت قرض‌الحسنه نزد بانک‌ها سپرده می‌گذارند و هیچ سودی هم از بانک‌ها دریافت نمی‌کنند. پس به جبران این موضوع بانک‌ها هم می‌توانند نرخ سود را تا جایی که سود این سپرده‌ها جبران می‌نمایند، پایین بکشند. بنابراین، برای جبران نرخ سود بانکی راه‌های مختلفی وجود دارد که یکی از آنها همین توجه کردن به سپرده‌هایی است که مردم بدون دریافت سود نزد بانک‌ها به سپرده می‌گذارند که قابل محاسبه برای جبران نرخ سود بانکی می‌باشد.

❏ / فکر می‌کنید که دور جدید مجلس هم نظر بر خصوصی‌سازی بانک‌ها دارد، یا این‌که این موضوع همچنان مورد اختلاف خواهد ماند؟

□ متأسفانه جمعی از همکاران همچنان دارای گرایش‌های دولت‌گرایانه هستند. من هم در صحبت‌های پیش از دستور خود این موضوع را نقد کرده‌ام که بخشی هنوز دولت‌مدارند و تمایل به حضور بیشتر دولت در اقتصاد دارند. اما به نظر می‌رسد که روح غالب بر مجلس جدید بیشتر در جهت خصوصی‌سازی می‌باشد، ضمن این‌که در این مساله الزام هم وجود دارد و آن الزام در قوانین برنامه چهارم مطرح شده است. بنابراین، گمان نمی‌کنم که این گروه بتوانند در مقابل این مقوله که دولت هم ناظر باشد و هم کارفرما مقاومت نمایند، و این موضوع شدنی نیست.

طبیعی است که ما باید به سوی خصوصی‌سازی برویم، البته خصوصی‌سازی اعم از بخش تعاونی و بخش خصوصی است، برای ما تفاوت نمی‌کند، هر چیزی که جنبه غیردولتی داشته باشد. باید بتوانیم فرصت‌ها را تعریف کنیم تا بخش خصوصی ترغیب به سرمایه‌گذاری شود. مثلاً یک جنبه آن مربوط به ایرانیان مقیم خارج است. شواهد می‌گویند که مبلغی بالغ بر ۱۰۰۰ میلیارد دلار ارز نزد آنهاست، و اگر ما بتوانیم قوانینی بنویسیم که ۵۰۰ میلیارد یا حتی ۱۰۰ میلیارد این رقم وارد کشور شود، تحول عظیمی در اقتصاد کشور صورت خواهد گرفت، یعنی به اندازه بودجه کشور ما عدد جدید خواهیم داشت.

بنابراین، باید به سوی روان‌سازی قوانین و مقررات و همچنین مقررات‌زدایی قدم برداریم و راهی را باز کنیم که بتوانیم جذب و هدایت نقدینگی را کارسازی نماییم، و پول‌هایی را که هم‌اکنون در دلای و واسطه‌گری سرمایه‌گذاری شده و منجر به تزاید قیمت و مانند آن می‌شوند، به حداقل برسانیم.

❏ / با تشکر از شما.

و سپه خواهند بود. امیدواریم که نشست با مدیران و اعضای هیات مدیره بانک‌ها و دیگر افراد آشنا به امور بانکی، موجب شود که بتوانیم به نظریات و راه‌حل‌های درستی دست یابیم.

❏ / آیا تجدیدنظر در مورد نرخ سود تسهیلات پرداختی از جانب بانک‌ها نیز در برنامه شما هست؟

□ آنچه را که اخیراً وزیر اقتصاد و دارایی بدان اشاره نموده که ما سود را به یک رقمی کاهش خواهیم داد، در واقع، یک روند طبیعی است. ما اگر بانک‌ها را از طریق بانک‌های خصوصی و بانک‌های خلع‌جی در مقام رقابت قرار دهیم، عملاً این کار خودبه‌خود انجام خواهد شد، زیرا یکی از خلأهای فعلی، فقدان بانک‌های خارجی در ایران است. اگر ما این مبحث را مورد بررسی قرار دهیم، این کار عملی است. از سوی دیگر نیز می‌توان در رابطه با مباحثی چون اتوماسیون بانک‌ها، کاهش هزینه‌های بانکی، هزینه ریسک و... کارهایی را انجام داد.

نگرانی که در دوره قبلی در شورای پول و اعتبار وجود داشت و رییس کل بانک مرکزی هم بدان اشاره داشت، این بود که اکثر سپرده‌گذاران ما کوچک‌اند و پول خود را به بانک سپرده‌اند تا از محل این سپرده‌گذاری‌ها درآمدی داشته باشند و ما اگر موضوع تقلیل سود را مطرح نماییم، ممکن است که این سپرده‌ها از بانک‌ها بیرون کشیده شوند. از طرف دیگر، می‌دانیم که یکی از عوامل رکود تولید همین نرخ سود بانکی است که روی تسهیلات وجود دارد. به‌هرحال، بایستی نوعی تعادل ایجاد شود که نه سپرده‌های کوچک از بانک‌ها بگریزند و نه مانعی در راه سرمایه‌گذاری و تولید ایجاد شود، زیرا سپرده‌گذاران بزرگ همان کسانی هستند که خود از بانک‌ها وام و تسهیلات می‌گیرند، اما به سپرده‌گذاران کوچک باید توجه خاص بشود. به عنوان مثال، می‌توانم به نامه‌هایی اشاره کنم که از طرف بازنشستگان و بسیاری از افراد دیگر برای ما می‌آید و مضمون آنها بدین شرح است که چنانچه شما نرخ سود را پایین آورید، با توجه به سن و سال خود نمی‌توانیم با پول خود کار خاصی را انجام دهیم، چون از محل این سپرده اجاره خانه خود را پرداخت می‌نماییم. پس این موضوع هم جای تامل دارد. ولی در هر صورت، باید گفت که این موضوع برای جمهوری اسلامی بسیار ناخوشایند است که بر روی سیستم بانکی خود نام بانکداری اسلامی بنهیم، اما بدان عمل نکنیم. هنگامی که میلیاردها تومان قرض‌الحسنه می‌دهیم، می‌گوییم هیچ سودی عایدمان نشده است، اما هرگز کسی نمی‌گوید که اینقدر قرض‌الحسنه گرفته‌ایم و باید تا میزان مشخصی سود می‌دادیم که ندادیم، در حالی که این موضوع می‌تواند برای نرخ سود جنبه جبرانی داشته باشد. این مساله در کشور ما یک عادت رایج است. مثلاً وقتی ما می‌گوییم که ۵۰ هزار تن جای نیاز داریم، این موضوع لحاظ

به نظر می‌رسد که روح غالب بر مجلس جدید، بیشتر در جهت خصوصی‌سازی می‌باشد.